مردم

ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

این شماره : ۸ صفحه

دورهٔ هفتم، سال اول، شمارهٔ ۵۰
چهارشنبه ۱۷ مردادماه ۱۳۵۸
تک شماره ۱۵ ریال

قانون اساسی ایران باید باز تاب انقلاب ضدامپریالیستی و دمکراتیک مردم ایران باشد

درصفحه ۲

در صفحات بعد:

■ شناخت جامعه کشورما (۶)
ویژگیهای زمین‌سالاری درکشورما
(صفحه ۳ ـ ستون اول)

■ لزوم قطع رابطه ریال ودلار و بهبود سیستم ارزی کشور
(صفحه ۶ ـ ستون اول)

■ رفتار وحشیانه ضد انقلاب با هواداران حزب توده ایران درتبریز
(صفحه ۶ ـ ستون پنجم)

■ درباره: «سازمانهای حفاظتی»
(صفحه ۳ ـ ستون پنجم)

■ بیانیه حزب کمونیست عراق درباره وضع کنونی عراق (قسمت دوم)
(صفحه ۴ ـ ستون سوم)

■ پاك سازی کمیته‌ها از عناصر ناباب ومشکوك چه‌شد؟
(صفحه ۸ ـ ستون سوم)

آیت‌الله طالقانی دردیدار با هیئت کوبایی گفت:

مادر نفی استثمار، استعمار و دفاع از آزادی بامارکسیست‌ها عقاید مشترکی داریم

آیت‌اله طالقانی با هیئت عالیرتبه‌ای که از کوبا، برای دعوت رسمی ایران به کنفرانس سران کشورهای غیر متعهد، بایران آمده است، گفت‌وگو کرد.

آیت‌اله طالقانی دردیدار با هیئت کوبائی ازجمله گفت:

«ما انقلاب کوبا را انقلابی عظیم میدانیم. انقلاب درکوبا، درکشوری که ازنظرجغرافیائی در نزدیکی قدرت قهار استعمار آمریکایی قرار دارد، شبیه‌معجزه بود. درواقع هرانقلاب علیه ظلم، علیه استبداد، علیه استثمار، در هرجای دنیا که باشد، ازنظرما یك انقلاب اسلامی است، چراکه روح اسلام و تعالیم اسلام درجهت رفع ظلم از همه ابنای بشر، همه انسانها، مظلومین ومستضعفین است. امیدواریم پس از این روابط ما با کشورهای انقلابی نزدیکتر باشد و بتوانیم درمسائل عمومی دنیا تفاهم بیشتری داشته باشیم.»

آیت‌اله طالقانی دراشاره به مسئله اسرائیل وآفریقای جنوبی گفت:

«انقلاب ما بیاری خداوند به پیش خواهد رفت واز این جهت نگرانی نداریم. اما نگرانی ما مربوط به‌عقده‌های چرکینی است بنام اسرائیل وصهیونیسم وآفریقای جنوبی، که امپریالیسم درمناطق حساس جهان مستقر کرده است. ما امیدواریم که کشورهای غیر متعهد همه‌سعی خودرا بکار بندند تااین برجهای مراقبت راکه‌منشأ درگیری‌ها وجنگ‌ها هستنداز بین ببرند.

آیت‌اله طالقانی همچنین گفت: «مادر نفی استثمار، استعمار ودفاع ازآزادی بامارکسیست‌ها عقاید مشترکی داریم. آنچه ما قبول نداریم اصالت ماده است.»

وزیر صنایع شیمیایی کوبا، که ریاست هیئت کوبایی را بعهده دارد، در این دیدار گفت:

«من حامل درودهای صمیمانه و انقلابی رهبران و مردم کوبا برای رهبران ایران وشما هستم. ما برای شما و مبارزات ملت ایران احترام و ارج بسیاری قائل هستیم. این احترام ناشی از تاریخ شما، مبارزات شما و مقاومت‌های شما در برابر امپریالیسم است.»

رئیس هیئت کوبایی اضافه کرد:

«کوبا عضو فعال گروه کشورهای غیر متعهد است واز اصول بنیانی این جنبش دفاع و پشتیبانی میکند، کوبا مخالف امپریالیسم، صهیونیسم، استعمار، استعمارنو، نژادپرستی و آپارتاید و طرفدار اعراب است. ما مخالف معاهده کمپ‌دیوید بین

درصفحه ۷

تلگرام برادر ابوعمار (یاسر عرفات) به حزب تودهٔ ایران

خبرگزاری فلسطین وفا از بیروت گزارش میدهد:

برادر ابوعمار، رئیس کمیته اجرائی سازمان آزادیبخش فلسطین و فرمانده کل نیروهای انقلاب فلسطین، تلگرامی به‌حزب توده ایران در جواب تلگرام تسلیت کمیته مرکزی حزب توده‌ایران بمناسبت‌شهادت برادرزهیر محسن ارسال کرد. متن تلگرام بشرح زیر است:

برادران کمیته‌مرکزی حزب‌توده ایران، بانهایت تشکر تلگرام تسلیت‌شما بمناسبت‌شهادت برادرزهیر محسن بدست صهیونیستها، که هدفشان نابودی و تصفیه مردم فلسطین و انقلاب ومردان انقلابی آن هست، واصل شد.

این جنایت که بحمایت امپریالیستهای آمریکائی صورت میگیرد، اراده‌ملت ما را ازبین نخواهد برد. مردم ما مصممند مبارزه عادلانه خود را برای باز پس‌گرفتن حقوق ملی و تاریخی خود و بازگشت بوطن وتعیین سرنوشت و تشکیل دولت مستقل ادامه دهند.

انقلاب تاپیروزی
یاسرعرفات

رهبری مائوئیستی چین از امپریالیسم آمریکا شکوه دارد که چرا کوبا را تحمل میکند!

اخیراً مجله‌آمریکایی نیوزویك، مصاحبه خبرنگار ویژه خود را بالی‌سیان‌نیان، معاون نخست‌وزیر جمهوری توده‌ای چین منتشر ساخت. محتوای پاسخهای معاون نخست‌وزیر چین گواه برآنستکه رهبری‌چین تاچه‌حدتلاش دارد که سیاست خارجی خودرا با نقشه‌های تجاوزکارانه و استراتژی جنگی‌محافل جنگ طلب امپریالیسم آمریکا دمسازکند. این‌پاسخها درضمن‌موید‌صریح‌ماهیت سیاست خارجی رهبری چین درزمینه همکاری با امپریالیسم‌آمریکا وستیزه‌جویی وخراب‌کاری علیه اتحاد شوروی و دیگرکشورهای سوسیالیستی و جنبشهای رهایی‌بخش و مبارزات ضدامپریالیستی و استقلال طلبانه خلقهاست.

لی‌سیان نیان معاون نخست‌وزیر چین به این پرسش که: «نظرشما درباره اظهارات کیسینجر وزیرامورخارجه پیشین آمریکا، که پس‌ازبازگشت ازمسافرت اخیرخود به چین گفته است، رهبری چین ازاینکه کارتر رئیس جمهورآمریکا درروابط خود با مسکو بحد کافی قاطع عمل نمیکند، ناراضی است واین امرمیتواند موجب تیره‌شدن روابط چین با ایالات متحد آمریکا بشود، چیست؟ اظهار داشت:

«این نقطه‌نظر کیسینجراست وبنظرما در روابط با اتحاد شوروی بهتراست که همیشه خشونت بکاربرده شود.» درپاسخ به این پرسش خبرنگار که: «آیا ایالات متحد آمریکا چنین خشونتی ازخود نشان میدهد، لی‌سیان‌نیان اظهارداشت:

«خودتان قضاوت کنید. کوبا درست دردروازه‌های آمریکا واقع است. اماچنین بنظرمیآیدکه ایالات متحد آمریکا قادرنیست حساب کوبا را برسد.»

بقیه‌درصفحه ۲

باید برای کارگران بیکار کار تهیه کرد

رقم کارگران بیکار بالاست. باآنکه تعداد دقیق‌آن روشن نیست، ولی‌آنرا تا یك میلیون وبیشتر گفته‌اند. ستون روزنامه‌ها انباشته از نامه‌های شکوائیه کارگران بیکار و اخبار مربوط به مراجعات و بست نشینی آنهاست. با آنکه‌دولت کوشیده‌است تا درشرایط دشوار زندگی کارگران بیکار راباپرداخت وام بیکاری‌تاحدودی تسهیل کند، ولی‌همهٔ کارگران بیکار، مشمول‌وام‌بیکاری نشده‌اند و اکثریت کارگران‌بیکارازدریافت وام محروم مانده‌اند. علاوه برآنکه درشرایط گرانی روزافزون مواد غذائی وپوشاك، گرانی هزینهٔ مسکن، گرانی درمان و دارو، وام بیکاری کاملا چاره ساز نیست.

خانواده‌های کارگری، که براثرشرایط شاق زندگی، حتی یك‌تومان‌بعنوان پس‌اندازندارند که دستگیر روز مبادای آنان باشد، معلوم نیست در طول مدت بیکاری چگونه باید شکم زن و بچه خود را سیر کنند؟ چگونه جواب صاحبخانه‌را بدهند؟ چگونه بول‌آب وبرق راپردازند؟ واگر بیمارشدند، به‌کی وکجا مراجعه کنند؟

دشواری زندگی این قشر محروم، دولت رادربرابرمسئولیت سنگینی‌قرارمیدهد تاهرچه‌زودتر با اتخاذ سیاست صحیح اقتصادی،

بقیه‌درصفحه ۷

وزیر امور خارجه درست میگوید، ولی..

آقای دکتر یزدی، وزیر امور خارجه، در مصاحبه‌ای اختصاصی با روزنامه «کیهان» (شماره ۱۳ مرداد ماه) اظهار داشته‌است که: «تاکنون ایران ۵میلیارد دلار بابت خریداین هواپیماها (اف‌ـ۱۴) پرداخته و نگهداری‌آنها هر سال ۵۰۰ میلیون دلار خرج برمیدارد، یعنی‌ظرف ۱۰ سال، ۵میلیارد دلار بهمیزان قیمت این هواپیماها افزوده میشود... اگر دولت ایران بخواهد اینها را بکار بیندازد، حداقل‌به چهار صد مستشار آمریکائی... نیازداریم و این امر بشدت‌ما را به‌آمریکا وابسته میکند.. و هیچ کشوری نمیتواند ادعای استقلال داشته‌باشد، درحالی‌که تا این اندازه به آمریکا وکشوردیگری وابستگی داشته‌باشد.»

بقیه‌درصفحه ۲

قرارداد دوجانبه نظامی ایران و آمریکا باید بی‌درنگ لغو شود

قانون اساسی ایران باید بازتاب انقلاب ضدامپریالیستی و دمکراتیک مردم ایران باشد

اکنون که رای‌گیری انتخابات مجلس خبرگان برای بررسی نهائی پیش نویس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران پایان یافته وشمارش آرا در جریان است وپیش ازاعلام رسمی تشکیل این مجلس، باردیگر تکیه‌میکنیم که رادیکالیسم اساسی، مسئولیت نمایندگان مجلس خبرگان و وظیفه همه نیروهای انقلابی دراین گستره یادآورمی‌شویم.

مردم غیور کشور ما، بارستاخیز بزرگ گسترده و فراگیر خود وبا جانبازیهای حماسه آفرین خویش، رژیم منحط پهلوی را طرد کردندوپایه‌های فرمانروائی امپریالیسم آمریکا ویاران چپاولگر آنرا در منطقه خاورمیانه و نزدیك بلرزه انداختند. آنهـــا این پیروزی عظیم را بارای مثبت خود دررفراندوم برای جمهوری اسلامی ایران تثبیت کردند.

ازآن هنگام، ضدانقلاب ـ امپریالیسم ونوکران داخلی آن ـ برای مقاومت دربرابر نیروهای ضدامپریالیست ودمکراتیك وبـه پس‌راندن جبهه انقلاب خلق، ازهیچگونه تهدید وفشـــار، تفرقـــه افکنی، خرابکاری، ترورسیاسی وحتی تدارك تهـــاجم نظامی ابـــا نکرده‌اند. باتوجه به مرحله‌خطیری که انقلاب ایران اینك میگذراند، تـــریع روند تنظیم قانون اساسی، که بایددرآئینه‌دستاوردهای انقلاب وپاسخگوی نیازمندیهای جامعه ما دردوران کنونی ودرمراحل آتی تحول آن باشد، اهمیت حیاتی وسرنوشت‌سازمییابد. تدوین وتصویب سریع قانون اساسی همچنین ازآنجهت ضرورت مییابد کـــه دولت فعلی دربسیاری موارد، نـــاتوانی، تعلل واقدامات محافظت‌آمیز و سازشکارانه خودرا دربرابرحل مسائل حادروبـــا اشاره‌به «موقت» بودن خود وویژگیهای دوران گذارتوجیه میکند.

ما برآنیم که درقانون اساسی ایران باید درجه نخست چهار دستاورد وهدف عمده انقلاب ایران بازتاب یابد. اینهاعبارتنداز:

۱ـ برانداختن رژیم چپـــاولگر، جنایتکار و خیانت‌پیشه پهلوی،

۲ـ ریشه‌کن کردن فرمانروائی غارتگرانـــه واستبدادجویانه امپریالیسم وصهیونیسم وبویژه امپریالیسم امریکا، کـــه امام‌خمینی، بعنوان رهبرانقلاب ایران وزبان‌گویای همه میهن‌پرستان کشورما، آنرا دشمن شماره یك مردم ایران اعلام کرده‌اند.

۳ـ تامین حقوق وآزادیهای دمکراتیك بـــرای همه مردم ایران، اززن ومرد وهمه‌خلقهای ایران وحق تعیین سرنوشت‌برای ملیت‌های ساکن کشورما.

۴ـ تامین عدالت اجتماعی بسود محرومـــان جامعه، یعنی خاتمه دادن به چپاولگری ثـــروت ملی ومحصول‌کار زحمتکشان و بهبود همه جانبه زندگی مـــردم محروم وبویژه‌کارگران ودهقانان زحمتکش.

حزب توده ایران معتقد است‌که پیش نویس‌کنونی، چنانکه امام خمینی، تاکیدکرده‌اند، بعنوان زمینه وپایه بحث رضایت‌بخش است. بااینهمه، همانگونه‌که حزب ما چه در اسناد ونشریات خود، وچه از زبان نامزدهای خویش در جریان کارزار انتخاباتی مجلس خبرگان، تاکیدکـــرده است، پیش نـــویس فعلی در مـــواردی چند نارسائیهاوکمبودهائی‌نیز دارد، که رفع آنها به بهبود پیش نویس در جهت ضد امپریالیستی، دمکـــراتیك وخلقی‌کمك خواهدکرد. ما بنوبه خود در اینباره پیشنهادهای مشخصی را ارائه داشته‌ایم، که‌اهم آنها از قرار زیر است:

نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران باید بر پایه سه‌بخش دولتی، تعاونی وخصوصی استوار باشد. بخش دولتی بمثابه عامل عمده اقتصادکشور در پیشرفت وانجام هدف‌های انقلاب نقش درجه اول ایفا میکند و بخش‌های دوگانه دیگر در چهارچوب منافع و مصالح ملی مورد حمایت قرار میگیرد. اقتصاد ملی برپایه برنامه‌ریزی منظم دولتی رهبری میشود.

حق کار برای همگان از بدیهی‌ترین حقـــوق انسانی‌است. وظیفهٔ دولت است‌که، درراه تامین روند تکامل وترقی‌کشور، شرایط اشتغال همه افراد را برحسب استعداد فکری و توانائی جسمی‌شان فراهم آورد.

حق تشکول اتحادیه‌های صنفی و کارگری باید بـــرای کلیه کارگران وزحمتکشان شهر وروستا تامین‌شود.

حاکمیت خلق‌باید از طریق مجلس شورای ملی و شورای محلی منتخب اعمال شود. مجلس شورای ملی مرکب ازنمایندگان منتخب‌تمام اهالی‌کشور، قدرت مرکزی‌را اعمال میکند وشوراهای استان، شهرستان، شهر وده، که ازطرف هریك ازبخشهای مذکـــور انتخاب میشوند، طبق اختیارات مشخصی کـــه بـــه تصویب مجلس شورای ملی میرسد، نسبت به‌امور داخلی قلمرو خود وحدمسئولیت‌ها و وظائف خود حاکمیت خلق را اعمال میکنند.

تقسیمات کشوری باید برپایهٔ خصوصیات ملی انجام‌گیرد

در واحدهای ملی، شوراها حقوق اداری وفرهنگی ملی را اعمال میکنند، که حدود آنرا قانون تعیین میکند. زبان موردتکلم در هر واحد ملی، در جنب زبان فارسی، برای‌آموزش، مکاتبات واسناد رسمی‌ادارات‌محلی، مذاکرات شوراهاو محاکمات رسمیت دارد.

قانون اساسی ایران باید هرگونه شکنجه و تنبیه بدنی و روانی را جداً ممنوع ودرصورت ارتکاب، مجازات مقتضی را برای مسئولان آن درنظر گیرد.

داشتن‌یك مسکن مناسب باید برای زندگی حق طبیعی‌تمام افراد کشور باشد.

سیاست خارجی ایران باید برپایهٔ عدم تعهد، عدم شرکت دربلوکبندیهای نظامی، حفظ صلح، تقویت همکاریهای بین‌المللی و گسترش مناسبات دوستانه‌میان دولتها، مبتنی بر برابری‌کامل، منافع متقابل وعدم مداخله در امور داخلی یکدیگر، استوار باشد.

در آستانهٔ تشکیل مجلس خبرگان، قرآن گویاگون حاکی از آنست که ضدانقلاب هجوم جدیدی را در سراسر کشور ودرهمهٔ عرصه‌ها آغاز کرده است، تا بیاری عناصر محافظه‌کار، سازشکار و ناآگاه طرح کنونی را بـــه زیان منافع ملی و برخلاف ماهیت ضدامپریالیستی و دمکراتیك انقلاب مردم‌ما «تعدیل» کنند و برخی‌از سنگرهای از دست رفته را بدینوسیله بازپابد وزمینه‌را برای‌ضربه‌های بهمگینتر برپیکر انقلاب شکوهمند ما فراهم سازد.

در این لحظهٔ تاریخی، ما ازکلیه نمایندگان‌مجلس‌خبرگان میخواهیم‌که تمام مساعی خود را در راه دفع تلاش توطئه‌گرانهٔ ضد انقلاب برای مثله و مسخ‌کردن طرح قانون اسـاسی در جهت ضد خلقی‌بکار برند. مجلس خبرگان وظیفه دارد‌که به همهٔ پیشنهادهائی که به‌تثبیت وگسترش دستاوردها و هدفهـــای ضد امپریـــالیستی، دموکراتیك و خلقی انقلاب ایران‌کمك میکند، تـــوجه‌کافی‌مبذول دارد، تا قانون اساسی جمهـــوری اسلامی ایران رهنمود جامعه ما بسوی استقلال، دمکراسی، عدالت، ترقی و رفاه همگانی باشد. در این زمینه مـــا همه نیروهائی‌راکه خواستـــار پیشبرد هدفهای اصلی انقلاب هستند فرامیخوانیم‌که دمـــوسه‌های شـــوم ضد انقلاب را نقش برآب نمایند. دستاوردهای انقلاب را بازگشت‌ناپذیر سازندودرراه تکمیل و تعمیق پیش‌نویس قانون اساسی بسود خلق مبارزه‌کنند.

بقیه از صفحه ۱

رهبری مائوئیستی...

بدینسان، معاون نخست‌وزیر چین، بااین پاسخ تحریك‌آمیز وبی‌شرمانه، امپریالیسم آمریکارا به تجاوزعلیه‌جمهوری‌سوسیالیستی کوبا فرامیخواند، امپریالیسم آمریکارا علیه کشورسوسیالیستی کوبا تحریك به جنك میکند، یعنی علیه‌کشوری‌که مردم قهرمانش، بـــا پیکارفداکارانه وحماسه‌آمیز، ازآزادی واستقلال میهن‌خود دربرابر امپریالیسم جهانخوار امریکا دفاع کردند وامروز با فداکاری‌کم‌نظیر به ساختمان جامعه سوسیالیستی درکشورخود مشغولند.

امروز دولت انقلابی کوبا در مقدم‌ترین رده مبـــارزه ضد امپریالیستی واستقلال‌طلبـــانه خلقهـــای جهـــان قرارگرفته است. پشتیبانی و کمکهای مؤثر جمهوری سوسیالیستی‌کوبا به جنبش‌های رهایی‌بخش ملی‌خلقها ومواضع پیگیروقاطعانه آن درمبارزه ضد امپریالیسم وارتجاع جهانی، در میان جنبشهای رهـــائیبخش ملی، جنبش‌کشورهای غیرمتعهد وهمه‌خلقهای جهـــان احترام ومحبوبیت بسزایی برای این جزیره آزادی، دولت انقلابی ومردم قهرمان‌آن کسب‌کرده است. آری، علیه چنین کشوری است‌کـــه رهبری چین، امریکا رابه جنك وتجاوزفرا میخواند.

معاون نخست‌وزیرچین، درپاسخ به پرسش مربوط به پیمان سالت ۲ (محدودکردن سلاحهای استراتژیك)، که چندی پیش دروین میان اتحادشوروی وایالات متحدآمریکا بـــه امضا، رسید، چنین اظهار نظرمیکند:

«ما تردید داریم‌که این‌پیمان نتایج مثبتی داشته باشد. این پیمان هیچ‌مسئله‌ای راحل نمیکند وموجب محدودشدن تسلیحـــات هسته‌ای اتحاد شوروی نخواهد شد.»

رهبری مائوئیستی بکن درایـــنمورد هم درست درنقطه مقابل همه خلقها ونیروهای ترقیخواه جهان قرارمیگیرد. خلقهای جهان اعتقاد راسخ دارند خطری‌که صلح وامنیت خلقهای جهان راتهدید میکند تنها ازجانب امپریالیسم جهانی، بـــه سردگی امپریالیسم آمریکا است. رهبری چین تدارکات جنگی امپریالیسم آمریکا رادر مناطق مختلف جهان وتحریکات وتوطئه‌های آنـــرا علیه جنبش‌های رهایی‌بخش ملی، علیه‌کشورهای سوسیالیستی و انقلابهـــای ملی و دمکراتیك درکشورهای آسیـــا وآفریقا وآمریکای لاتون نـــادیده میگیرد ودراین اقدامات با امپریالیسم آمریکا همکاری میکند.

مردم‌کشورما، با تجربه انقلاب خـــود، بیش ازپیش آگاهی یافتند‌که اتحادشوروی، درپیشاپیش نیروهای‌مترقی‌جهان، ازانقلاب ایران دفاع‌کرد وامپریالیسم آمریکا را از مداخله نظامی درکشور مابرحذرداشت ونیزبخوبی میدانند‌که تمام‌تدارکات وتحریکات‌نظامی امپریالیسم امریکا درمنطقه خلیج‌فارس واقیانوس هند، هدف‌ضربه زدن به این انقلاب وس‌کوب جنبشهـــای رهایی‌بخش خلقهای این منطقه را دنبال میکند. ولی‌رهبری مائوئیستی چین ازامریکا دفاع میکند وبه اتحاد شوروی می‌تازد.

لی‌سیان‌نیان، معاون نخست‌وزیر چین، طی مصاحبه خود در مورد روابط چین با جمهوری سوسیالیستی ویتنام، ویتنام را متعصر تورکی این‌روابط معرفی نمود وگستاخانه اظهـــار داشت‌که، امکان اینکه چین دوباره درمقام «دفاع» ازخود بـــه تجاوزجدیدی علیه ویتنام دست‌بزند، منتفی نیست، وافزودکه، بنابعقیده رهبری‌چین، تجاوزچین به ویتنام‌درماه فوریه سال‌جاری بحدکافی ویتنام رامتنبه نکرده است، زیراچین ازقبل اعلام‌کرده بود، حمله به ویتنام جهاز نظرمقیاس وچه‌ازنظرمدت محدود خواهدبود! این اظهارنظرمعاون نخست‌وزیرچین نیزموید صریح نقشه‌هـــای تجاوزکارانه چین علیه جمهوری سوسیالیستی‌ویتنام وخط‌مشی توسعه‌طلبانه‌رهبری‌مائوئیستی چین نسبت به‌کشورهای همجوار است.

بدینسان، چین مائوئیست باهمکارخود امریکای‌امپریالیست، درعمل ضدانقلابی علیـــه صلح وامنیت بین‌المللی، علیه استقلال و آزادی خلقهای جهان مسابقه‌گذاشته است.

بقیه از صفحه ۱

وزیر خارجه درست میگوید و...

این‌سخنان آقای دکتر یزدی مورد تأیید ماست. ولی‌متأسفانه، آقای وزیر خارجه، ازاین دیدگاه درست، نتیجه‌گیـــری محدودی فقط در مورد جنگنده‌های اف ـ ۱۴ کـــرده‌است. مـــا بگفته وزیر خارجـــه «نمیتوانیم هواپیماهـــای اف ـ ۱۴ را نگهداریم، زیرا نگهداری آنهـــا باعث تشدید و استمرار وابستگی به آمریـــکا میشود... قصد شاه سابق ازخرید این‌هواپیماها صرفاً کمك به‌کمپانی‌های سازنده این هواپیماها بوده است».

ولی‌قصد شاه سابق ازخرید این هواپیماها نه تنها این هواپیماها، بلکه دیگـــر سیستمهای اسلحه تهاجمی، ایفای نقش‌ژاندارم منطقه برای امپریالیسم آمریکا، تبدیل ایـــران بـــه پایگاه تجاوز برضد همسایگان بوده‌است. بنابراین ما نـــه فقـــط نمیتوانیم هواپیماهـــای اف ـ ۱۴ را نگهداریم، بلکه باید تمام قراردادهائی راهم‌که مربوط بـــه تمام سیستمهای تسلیحات تهاجمـــی است، لغوکنیم، از ادامه خرید یدکی‌برای‌چنین سیستمهائی، که آنها نیز قهراً همراه با پذیرش مستشاران آمریکایی‌وموجب «استمرار وابستگی» هستند، خودداری‌کنیم، تااستقلال سیاسی ـ نظامی کشور را تأمین‌کنیم و بجای سیاست نظامیگری تهاجمـــی ، **سیاست مستقل ملی تدافعی** در پیش‌گیریم.

استدلال دولت‌درمورد سیستمهای‌تسلیحاتی (بجزهواپیماهای اف ـ ۱۴) اینست‌که، اگرآنها را با خرید «مستمر» قطعات یدکی‌حفظ نکنیم، آنها به آهن‌پاره تبدیل خواهند شد و درنتیجه دولت از لحاظ مالـــی متضرر خواهـــد گردیـــد.

آقای دکتر یزدی، ازکسانی‌که مخالف‌این سیستمهای تسلیحاتی و خریـــد «مستمر» (واژه مستمر از مصاحبه نخست‌وزیر نقل شده است) قطعات یدکی‌برای آنها هستند، طی‌مصاحبه‌خود خواسته است که «نظر صریح خـــود را اعـــلام دارند».

نظرصریح ما چنین‌است، مادام که ایـــن سیستمهای تسلیحاتی بـــرای اجـــرای سیاست نظامیگری تهاجمی‌خریداری شود وحفظ آنها ازطریق خرید قطعات یدکی، که ضرورتاً بقـــاء مستشاران آمریکائـــی را بهمراه دارد، اصولا همراه با استمرار ووابستگی‌است، تمامی‌قرارداد های مربوط باینگونه تسلیحات بساید لغـــو گردد.

درمورد ضررمالی‌که ازایـــن بابت متحمل خواهیم شد، بایدگفت این کفاره بزهکاری رژیم دست نشاندهٔ شاه مخلوع است، که بناچار باید پرداخت، زیرا اگرما درواقع، به‌کشته‌های‌وزیر خارجه، سیاست ضدامپریالیستی «گرم وقـــوی» داریم وواقعاً خواستار تأمین استقلال سیاسـی ـ نظامی‌کشوریم، نمیتوانیم برای گریز از ضرر مالی‌معینی، بدنبال این‌ضرر راهی‌را بپیمائیم‌که ضررهای دیگری «مستمراً» برما تحمیل شود و ضمناً وابستگی‌ما «استمرار» یابد.

اگرقرارا‌ست‌که ما بر مبنای حکم انقلاب ضدامپریالیستی(ملی) مردم ایران به آن تفهیم بنیادی سیاسی‌اقدام‌کنیم، که از وابستگی رهایی یافته، استقلال‌کشور را تأمین‌کنیم، بناچار باید ضررمعینی‌را متحمل‌شویم، با علم باین واقعیت که، این‌ضررموقت است ودر آینده، بر مبنای سیاست مستقل‌ملی، صدهاوهزارها بار بیش‌ازاین ضررموقت، نفع خواهیم برد.

خلاصه بـــرای تأمین استقلال سیاسـی ـ نظامی‌کشور و رهائی‌کامل از وابستگی ، ابطال سیاست نظامی‌گری واتخاذ سیاست مستقل تدافعی بساید تمـــام قراردادهـــای تسلیحاتی، که همه آنها مشروط به قیود و شروطند، لغوگردند وتمام مستشاران‌نظامی آمریکائی ازایران اخراج‌گردند.

«مادر» ایـــن قراردادهـــای اسارت‌بخش، قرارداد دوجانبه نظامی با آمریکا است، که در واقع باید آنرا قرارداد یکجانبه مستعمراتـــی نامید، که بگفته وزیرخارجه «نظروزارت‌خارجه درمورد لغوآن» داده شده (عملی‌که مردم ایران ازفردای پیروزی انقلاب در انتظارآنند) و ما امیدواریم‌که لغواین قرارداد ننگین و تحقیـــر آمیز واستیلاگرانه، که وجودش اهمیت‌واستقلال کشورما را تأمین نمیکند، بلکه بر عکس آنرا در معرض خطر قرار میدهد، بی‌درنك اعـــلام گـــردد.

بقیه ازصفحه ۸

مدارس خصوصی ...

هیچ واردی آرامش بخشی برای خانـــوادههای کم درآمد نیست، وقتی کسی قدرت پـــرداخت شهریه ندارد، مشکل اساسی برایش تهـــیه پول است ونه مصرف آن.

نارضایتی شدیدی‌که تصمیمات اخیروزارت آموزش وپرورش درمیان مردم پدیدآورده‌است درسمینار «بررسی ماهیت ونقش مدارس ملی»، که اخیراً بابتکار کانون مستقل معلمان تهـــران تشکیل شد، بازتاب یافته است. قطعنامه‌سمینار بحق‌خواستار تعطیل‌مدارس«ملی»(خصوصی)ورایگان بودن مدارس درتمام سطوح شده است.

دولت باید به‌پیروی ازخواست قاطبهٔ‌مردم، درتصمیمات اخیر تجدید نظرکند ورایگان‌بودن آموزش وپرچیده‌شدن‌مدارس‌خصوصی‌را اعلام‌دارد.

شناخت جامعه کشورما (۶)

ویژگیهای زمین سالاری در کشورما

در پیش یادآور شدیم‌که درکشور مامطلب‌بر سر یافتن نظامی مبتنی‌برشیوه خاص «تولیدآسیایی»، که گویادرآن مالکیت خصوصی برزمین‌وجودنداشته ونها از دونوع مالکیت، یعنی مالکیت مطلق شاه و همبودهای دهقانی مرکب است، نمیتوانـــد درمیان باشد.

از احسان طبری

استاد معتبر فراوانی حاکی است‌که درکشور مـــا، درکنار املاك سلطانی وخالصه دولتی، املاك خصوصی فئودالها ومـــالـــکان کوچکتر بوده ودر دهای خردهمالکی نیز همبودگی و مشاع بودن در مرتع وآب بامالکیت خصوصی قشرهایی از دهقانان بـــرزمین همراه بوده وحتی در روابط موسوم به«مزارعه» بین‌مالك ورعیت، شکل «نسق» و «گاوبندی» بنوعی تصرف دهقان برزمین نـــزدیك میشده است.

لذا از «شیوه تولید» خاصی نمی‌توان سخن گفت. ولی‌این تصریح مارکس که نظامات اقتصادی ـ اجتماعی درنقاط مختلف با ویژگیها بروز میکنند ولذا بایدبشکل‌مشخص وتجربی (آمپریك) مورد بررسی قرارگیرند، رهنمود مهمی است ودر واقع ونفس‌الامر نظام زمین سالاری یا فئودالیسم در کشورمـــا دارای ویـــژگیهای بسیاری است.

این ویـــژگیها در صورتی روشن و برجسته میشود که ما آنرا بانمونه‌های کلاسیك نظام زمین سالاری در فرانسه یا آلمان مقایسه کنیم.

روند تصرف زمین وگله‌های همبود (کمون)های دهقانی و شبانی وخرده مالکان روستایی‌و عشایری بوسیله شاه ودستگاههـــای سلطنتی، اشراف ودیوانیان، سپهسالاران وسرداران، ایلـــخانان و دیگر قلدران و زورمندان جامعه، شاید از دوران هخامنشی آغاز میشود، ولی مـــورخین معمولا گسترش سریـــع مالکیت وگله‌داری بزرك فئودالی را به اواخر اشکانیان و اوایـــل ساسانیان مربوط میکنند.

مورخ دانمارکی کریستنسن، در ایـــران «ایران در زمـــان ساسانیان»، چنین‌چشم منظره‌ای ازفئودالیسم ایرانی وقلاع فئودالی درآغاز سلسله ساسانی وصف میکند کـــه بنظر اینجانب مصنوعـــی میآید ، زیـــراعین مناظر فئودالیسم غـــربی را در ایران مجسم میسازد!

بهرجهت در اثر تجزیه‌همبودهای دهقانی، که براساس اصل «همبانیك» (یا همبایی، یعنی تـــلازم متقابل ، از واژه بـــایستن، اصطلاحی که هنوز بصورت «هامبا» در آذربایجان ایران متداول است) عمل میکردند وتصرف غالباً عدوانی زمین‌ها ، بتدریج قشر «دیه‌کان» (مالکین) پدید میآید، این واژه در فارسی «دهقان» شده ودرقرون اولیه پس‌از استقرار اسلام،هنوز بمعنای مالك بود، چنانکه می‌نویسند:

«فردوسی از دهقانان طوس‌بود» . ولی بعد ایـــن‌واژه بـــه رعیت اطلاق شد. زیرا به دهقان در پهلوی می‌گفتند « دیه‌کانیك» که در فارسی «دهقانی» تـــرجمه شد و سپس فرق میان **دهقان** و **دهقانی** از میان برخاست . بهر حال جای این بحث واژه‌شناسی در اینجا نیست .

فئودالیسم ایران حداقـــل ازهزاره پیش ازاسلام تا قریب ۱۴۰۰ سال پس‌ازاسلام، دوام‌آورد، یعنی‌قریب‌دوهزاروپا نصدسال، ولی روشن است‌که این‌نظام، در این دوران بسیار بسهـــار طولانی، ادواری را ازسرگذراند. ودراین ادوارچهره عوض‌کرده‌ومختصات نوی‌کسب نموده ودوران نضج واوج واعتلاء وتدنی داشته است.

جالب توجه است‌که نظام فئودالی یا زمین‌سالاری یا ارباب رعیتی ایران، تازه پس ازمشروطیت، به‌برکت خانواده پهلوی، یك دوران نوزایی‌ورونق مجدد راگذراند وهنوزما ازبقایا وپی‌آمدهای آن‌خلاص نیستیم، یعنی مسئله ارضی درکشورما، بشکل‌نهایی، بسود دهقانان بی‌زمین وکم‌زمین حل‌نشده وکماکان دردستوردوزاست.

درنظام زمین‌سالاری ما نیز، مانداروپا، درکنـــارمالکیت خصوصی مالکان وایلخانان، رسوداون زمین‌های خالصه‌وتحت‌تصرف شاه برای بهره‌برداری بچاکران شاه، درقبال دریافت‌خراج، البته با مختصات خود، مرسوم بود. در زمـــان ساسانیان این زمین‌ها را «نان‌پارك» میگفتند. عربها همین واژه را «اقطاع» ترجمه کردند. پس ازآمدن ترکان و مغولان به‌کشورما، واژه‌هـــای «سیورغال» و «تیول» مرسوم بود وتیولداری تا پایان قاجاریه ادامه داشت.

ولی درکشورما، بویژه پس‌ازاسلام، رعایامانند «سرف»های اروپایی به زمین بسته نبودند وبازمین خریـــد وفروش‌نمی‌شدند. این‌رسم «زمین‌بستگی» (یا بنابا‌صطلاح آقای دکتر‌خسروی، روستا‌بندگی)، بویژه پس‌ازاسلام، رسماً ممنوع بود، ولی عملا وعرفاً در برخی نقاط‌کشور، بویژه‌پس ازدوران صفوی، دیده میشودودردوران قاجاررسم‌دادن «تعلیقه»، یعنی پروانه خروج دهقانان‌ازمحل‌زندگی خود وحق‌آزاد و مطلق‌العنان بودنش در مقابل پول، دیده میشود، بمثابه تصریح «گنج‌شایگان»، برای دریافت این تعلیقه می‌بایست از سال ۱۳۱۸ (دوران رضاشاه) مـــاده زیرین آمده است: «زارع، هرگاه‌بخواهدبا **رضایت‌مالك** ازده خارج شود، مالك، باهرقیمتی که خبره آنرا معین خواهدکرد، اعیانی اورامیخرد. اگردهقـــان **بدون رضایت‌مالك** بخواهد ازده خارج‌شود، درمقابل شخصی‌کـــه به‌زمین‌زده، حق‌ندارد حق‌الزحمه بطلبد. ولی سهمی‌ازمحصول‌موجود خواهد برد.»

باوجود تمام چم‌وخمی‌که دراین ماده هست، میتوان‌بروشنی دیدکه حتی تاچندی پیش‌نوعی زمین‌بستگی وروستابندگی‌درکشور ما مرسوم بوده است.

اشکال بهره‌ای‌که دهقان بـــه مالك فئودال می‌پرداخت، با اشکال جنسی و بیگاری ونقدی مرسوم دراروپـــا یکسان است ولی برخلاف دوره‌بندی فئودالیسم اروپایی، که آنرا طبق‌آنکه‌کدام‌یك ازاین اشکال شکل مسلط بودند، تقسیم میکنند، چنین دوره‌بندی‌در فئودالیسم ایرانی واقعی بنظرنمی‌رسد. بهره مالکانه ومنال (کـــه شکلی از بهره بوده)، موافق سیستمهای مزارعه و مســـاقـــاه (در خلنستانها وباغستانها) اشکال مختلفی داشته وبعلت نبـــودن رسمی زمین بستگی وروستابندگی، نمیتوان ازیك دوران‌تسلط «بیگاری» بعنوان‌شکل‌بهره،سخن‌گفت، باآنکه بیگاری‌همیشه وجودداشته‌است.

درمورد روستابندگی، درتاریخ دور ودراز زمین سالاری در ایران، ودرانهایی‌که دهقانان موسوم به «اکاره» یا «برزگـــرهای بی‌زمین»، که‌نیروی‌کارخودرا میفروختندو تاحدبرده تنزل‌میکردند، کم‌نیست. مادربررسی جنبش زنگیان (زنوج) ودهقانان خرمدینی (که موریخین عرب آنهارا گاه علوج، یعنی‌کفار نامیدنـــد) باینـــ برخورد تحقیر آمیز وبردهوار بدهقانان تصادف میکنیم ، بویژه درمورد «قن»ها، که بردگانی‌بودکه دردوران جنبش زنگـــیان در مزارع ومعادن کارمی‌کرده‌اند.

این توضیحات همه برای آنست‌که تاریخ زمیـــن سالاری ایران را نمیتوان بالمره از روستابندگی فارغ شمرد، ولی بطور عمده این‌حکم درست‌است‌که‌درایران‌پدیده«سرواژ» نمونه وارنیست.

یکی از خصایص نظام زمین سالاری، بویژه در دورانهای رونق آن (مانند زمان ساسانی، دردورهٔ «نوزائی شرق» (قرون سوم تاششم هجری) ونیز دردوران صفوی)، رونق روابط کالا ـ پولـــی است. درحالیکه درنظام فئودالی غرب اقتصاد طبیعی (تولید برای مصرف فئودال‌ودهقان) تسلط‌داشته، درکشورما کالا بودگی‌محصولات کشاورزی وسریان آن دربازارهای محلی ودر بازارهای وسیع‌تـــر کشور ومنطقه زیاد بود. این امربویژه درمورد ابریشم ومنسوجات ابریشمی، درمورد فرش وبافتنی‌بطورکلی ونیز در مورد برخـــی گیاهان ذیقیمت (مانند زعفران) صادق است. متناسب با آن، گاه «کارخانه»های بزرك بنام «بیت‌الطراز» دربخارا، که تاهزار بافنده و «حائك» و «جولاه» درآن کارمیکردهاند) پدید می‌آمده وشهـــرت منسوجات ایرانی جهانگیر بوده است، در دوران صفوی نیز تعداد کارخانه‌ها زیاد است.

ولی تضاد دائمی قبایل کوچنده واقوام ساکن، «هجومهـــای پی‌درپی، استبداد خونین شاهان وظلم‌وستم‌عمال آنها، امکان‌انباشت وتراکم سنن فنی وفن‌آوری (تکنولوژی) را ازجامعه سلب‌می‌کرده واین خود ازعلل پژمردن جوانه‌های نظام‌نو ودوام رکود مدنی در جامعه فئودالی ماست.

درفئودالیسم ماچنین نیست‌که‌دومرکز فئودال وشهرمـــرکز بورژوازی (که درآن موقع ازنرم‌های پائین جامعه بود) بـــاشد، البته ایلخانان واشراف دارای قلعه‌ها وکلات‌ها (که فارسی کـــلمه قلعت است) بودند، ولی مالکان درشهرها نیز سکونت داشتند،وشهر در دست بازرگانان وکسبه وحرفه‌مندان نبود.

باانحلال، مانند اروپا، کسبه وحرفه مندان نیزنظام صنفی داشتند که درکتابهای موسوم به «شهر آشوب» و صف آنها آمـــده است و ازمیان آنهاست‌که‌سازمان «اخوان»، «فتیان» (جوانمردان و عیاران) پدید میشود وگاه‌باشیوه‌گری وصوفیگری درمیآمیزدوگاه به‌جنبشهائی مانند جنبش سربداران منجرمیگردد، ولـــی نـــوعی «دمکراسی» بورژوائی ازآن قماش که در شهرهای فئودالی اروپـــا (مانند ونیز،ژن، هامبورك، کیل وغیره) دیده میشود، بوجودنیامد. اوج نظام صنفی دردوران صفوی است.

شاید رسم خراج راهم باید ازویژگیهای زمین‌سالاری مـــا دانست.خود این‌واژه از پهلوی «هراك» آمده، که ریشه‌اصلـــی آن سامی است. درزمان ساسانی از «باژ» و «ساو» هم‌صحبت مـــی‌شده، که تفاوت آنها برمن روشن نیست. موافق قاعده «جبایـــت» یعنی ارزیابی تخمینی، دردوران پس‌از اسلام،دولت ازمالکان، بدست‌عمال دیوانی، خراج زمین رامیستاند. طبیعی است‌که دزدی وتقـــلـــب و زورگوئی دراین‌کار زیاد بود وای‌چه‌بسا که‌خراج مایه عصیان مردم نمی‌هشد. اینکه سیستم مالیاتی(فیسکال) شاهان قرون وسطائی‌اروپا بایستمی خراج ماچه شباهتها وتفاوتهائی دارد، امری است که باید تحقیق شود.

درنظام فئودالی شرق، هم‌نظام دودمانی (عشایری) وهم‌رسم بردهداری دارای‌گسترش وسیعی است. بردهداری گرچه (جـــز در مورد قن‌ها که که ذکرکردیم) خانگی بوده، ولی تعـــداد بردگـــان سرائی ووثاقی گاه سربه‌هزار میزده ونظام دودمانی نیز، گرچـــه «فئودالیزم» شده بود، ولی مقررات پدرشاهی را تاامروز دردرون خود حفظ‌کرده است. یکی از ایران شناسان فرانسوی بنام « رنه کروسه» حتی برآنست‌که «اقوام مخلوط ایرانی درمرحله شبانـــی باقی مانده‌اند،درحالیکه سرایهای‌آسیا مدتهاست که بمرحله‌عالیتر، یعنی مرحلهٔ کشاورزی ارتقا یافته «(درکتاب «ایران» اثر اینگه مرات، با نوی مولف‌آلمانی). این‌قضاوت افراطی است، ولی‌واقعیت آنست‌که محیط جغرافیائی وطن‌ما، قبایل ورسم پدرسالاری‌واقتصاد گله‌داری را تاحدود وسیعی حفظ‌کرده‌وبه‌فئودالیسم‌ما رنگ‌خاصی زده است.

در شماره آینده: « ویژگیهای سرمایه سالاری در کشورما»

درباره:

«سازمانهای حفاظتی»

بمـــوجب دستور نخست‌وزیر، در سازمانهای دولتی، سازمانهای حفاظتی تشکیل میشود. طبق این دستوردر هروزارتخانه و هردستگاه تابعه، سازمانهای حفاظتی با داوطلب‌گیری از کارمندان و استفاده از امکانات و وسایل موجود و جلب همکاری نیروهای انتظامی و پاسداران انقلاب بمنظور خنثـــی‌کردن نقشه‌های دشمن ایجاد خواهد شد.

انقلاب‌بدون هیچ‌تردیدباید بنیادها و ارگانهای ویژه خودرا برای جلوگیری از دسیسه‌های‌ضد انقلاب و سرکوب و انهـــدام آن بوجودآورد و اگر جز این‌باشد انقلاب‌بیدفاع‌می‌ماند وضدانقلاب میدان می‌یابد.

بر اساس این اصل درست، ما پیوسته از وجودکمیته‌هـــا و پاسداران، که‌خدمات‌انکارناپذیری در سرکوب ضد انقلاب داشته‌اند، دفاع‌کرده‌ایم و در شرایط‌مشخص کنونی‌آنانرا بنیادهای لازم‌برای دفـــاع از دستاوردهـــای انقلاب میدانیم. اما در عین‌حال نباید فراموش‌کرد‌که‌ضدانقلاب‌میکوشد، همه‌جا سربکشد، درهمه‌ارگانهای انقلاب رخنه‌کند، خود را با هر نقابی بیـــاراید، نیرنك زنـــد، دغلکاری‌کند، تا چون‌موریانه‌این ارگانها را از درون بجـــود، از محتوی مترقی تهی‌وآنانرا پوك‌و پوسیده سازد.امروزدر شش‌ماه پیروزی انقلاب، نقش ضدانقلاب در وجوه‌گوناگون‌آن‌برای‌همگان روشن شده است.ضد انقلاب حتی درکمیته‌ها و درمیان پاسداران انقلاب،این‌دو بنیان‌اصیل‌انقلابی، راه یافته و سعی‌داردایجادآنجا، با ایجاد مزاحمت نـــابجا برای مردم، با دخـــالت در امـــوری‌که احیاناً جزء وظایف این‌ارگان‌ها نیست و باسوءاستفـــاده ازوضع و موقعیت خود، ناراضایتی، نابساوری و عدم اعتماد در مردم بیافریند. بدین لحاظ، امام خمینی بـــارها بر پاکسازی‌کمیته‌ها از لوث‌وجود این عناصر تاکیدکرده است.

براین اساس ، سازمانهـــای حفاظت، باآنکه از دید دفاع در برابرضربه‌های ضد انقلاب بنیادی ضروراند، ولی بایدکاملا هشیار بودکه به ضد خود تبدیل نشوند وضد انقلاب ازآنها برای‌پیشبرد مقاصد خود سوء استفاده نکند.

ما ضمن‌آنکه به ایجاد بنیاد هایی در سراسرکشور برای حفظ دستاوردهای انقلاب اعتقادکامل داریم، اما معتقدیم‌که این‌بنیادها نباید شمشیر دو دم باشند ، بلکه بایدترایش‌وتکامل آنان چنان‌بـــا هشیاری انجام‌گیرد، که فقط ونقط در خدمت انقلـــاب‌و زحمتکشان باشند و همهٔ امکانات نفوذ عناصر ضد انقلابی در آنها مسدود شود. فراموش‌نکنیم‌که«ادارات‌حفاظت» در رژیم پیشین ، شعب

مردم و مردم

● نامهٔ **محمود ب.** رسیده است. وی کارگری است کفاش که در راه آرمان و بخاطر مبارزه‌اش مدتها زندان کشیده، و مینویسد، «همین خطی که می‌بینید یادگار زمانیست که دانش‌آموزان و دانشجویان توده‌ای به میان کارگران می‌آمدند و بما سواد یاد میدادند» و پیشنهاد میکند که همان شیوه ادامه یابد. وی پیشنهادهای جالب دیگری در زمینهٔ تشکیل جلسات بحث و گفتگو با هواداران، دادن یکروزدر آمد به حزب برای تأمین مخارج، استفاده از تجربهٔ افراد قدیمی و شورو نیروی جوانان، پخش اصول خط مشی حزب توسط اعضای حزب در هر مناسبتی ارائه داشته و ضمناً درمقابل حملات کسانی که رهبری حزب را هدف قرارداده‌اند، تا مشی سیاسی آنرا نفی کنند، به پاسخگوئی برخاسته است.

● **دوستی** که فعالیت مجدد حزب را تبریک گفته، می‌پرسد، «در رابطه با تیرباران رفقا کلانتری و زهتاب و فروغی و چهارنفر دیگر زاده‌ورسا لنامهٔ توده توضیحی داده نشده که آیا آنها در ایران فعالیت میکرده‌اند و دستگیر شده‌اند یا از خارج به ایران بازگشته بودند».

دوست عزیز، سالنامهٔ توده در دهها مورد، فقط تاریخ رویدادها را ذکر کرده و توضیح و تفصیل دربارهٔ آنها ندارد. رفقائی که درسال ۳۹ تیرباران شدند، از قهرمانان فداکار حزب و نهضت‌اند و درخود ایران فعالیت میکردند. آنان قربانیان رژیم ترور و پلیسی شاه مخلوع هستند که فداکارترین فرزندان میهن ما و پیوندگان راه طبقهٔ کارگر را مرتباً به جوخه‌های اعدام می‌سپرد و یا سالیان دراز در سیاهچالهای خود نگهمیداشت. ولی‌همانطور که دیدیم باهیچ سرکوب و اختناقی، حتی نوع ساواکی جهنمی آن، جلوی سرنگونی آن رژیم گرفته نشد. خاطرهٔ قهرمانان گرامی و راه آنان پیروز باد!

● دوست عزیز **داود د. الف.** نظرما در بارهٔ مذهب بتفصیل دوبارها درهمین دورهٔ اخیر «مردم» بیان شده است و دربارهٔ نقش عامل مذهبی در انقلاب اخیر و نقش روحانیت مترقی نیز درآسناد حزبی تحلیل لازم بعمل آمده است. خواهش می‌کنیم باردیگر وبدقت آنها را مطالعه کنید. مقایسه با افریقا وسایر نقاط شاید بهترین نتیجه را بما ندهد البته باید تجربیات همهٔ کشورها را در نظر گرفت، ولی ویژگیهای کشور خود را نیز نباید از یاد برد. مهم همان نکته‌ایست که شما در نامهٔ خود نوشته‌اید که مربوط به لزوم اتحاد بین همهٔ نیروهای انقلابی، اعم ازمذهبی وغیرمذهبی است، که نادیده انگاشتن این‌حقیقت، بنوشتهٔ شما، هر انقلابی صدیقی را به بیراهه میکشاند. موفقیت شما را خواستاریم.

● دوست گرامی **ن. ع.** ازپیشنهادهائی که، بنوشتهٔ خودتان، برای بهبود روزنامه داده‌اید، تشکرمیکنیم. در فاصلهٔ زمانی بین گرفتن نامهٔ شما تاکنون، فکر میکنیم، صفحات اول مطابق نظرشما بهترشده وشرحم شماره‌ای نیست که نباشد. البته آن نوع شعری که شما میگوئید، «هرشمار و مطلب روز را به نظم درآورد وکوتاه وتوده‌ای باشد»، زیاد آسان وشاید حتی مناسب نباشد. شعردرهرحال نمیتواند جای مقالهٔ تحلیلی واستدلالی را بگیرد، همانطور که مقاله، مارا از شعربی‌نیاز نمیکند. با درود.

● دوستی با امضای **یک رفیق**، که دربارهٔ بورژوازی لیبرال وعلت اتخاذ سیاست حزب سئوال کرده‌اید. درفاصله‌ای که نامهٔ خود را فرستاده‌اید، تحلیل‌های حزب ما و به ویژه نامهٔ سرگشادهٔ کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران منتشرشده، که با تفصیل به سئوال شما پاسخ میدهد.

حتماً آنها را خوانده‌اید. اگر نخوانده‌اید بهتر است به چند جمله در این ستون اکتفا نکنید وآن اسناد را عمیقاً مطالعه نمائید.

● آقای **خسرو**، نامه شما رسید. درمسئله توجه باحساسات مردم و درک کردن نبض اجتماع با شما موافقیم. بایدهریک ازما دراین‌جهت کوشش کند. نوشته‌اید برای عضویت مراجعه به‌حزب کرده‌اید واز اینکه از شما معرف‌خواسته‌اند، ناراضی هستید و میپرسید که معرف یعنی پارتی. در اینجا با شماموافق‌نیستیم، معرف‌خواستن، یعنی اینکه یک فرد حزبی وکسی‌که‌درصفوف‌آن‌بوده شخص‌داوطلب‌عضویت‌را بشناسد و در واقع مسئولیت معرفی او را بعهده بگیرد این یک **حداقل** تضمین است و شخص مربوطه پارتی کسی نیست‌ودر حزب نان و حلوا هم پخش نمیکنند که با توسل به‌پارتی بتوان بدان رسید! شخص داوطلب باید اعتماد عضو حزب را به صلاحیت و شایستگی خود جلب کرده باشد، تا وی خود را دردرمعرفی عضوتازه وارد مسئول بداند وقبول کند که معرف او باشد.

● دوست عزیز **پ. مظفر**، نامه شما درباره معرفی جزوه‌ای‌دراتهام به حزب ما ونویسنده‌آن مدتی است رسیده، تشکر میکنیم. در باره غلط‌هائیکه در نوشته‌های «مردم» راه مییابد، تذکرشمارا درنظر خواهیم گرفت و امیدواریم سایر اشتباهات راهم، همانطور که وعده داده‌اید، بنویسید. بازهم سپاسگزاریم.

● آقای **احمدح**، نامه‌ای برای «مردم» فرستاده، ولی روی‌سخنش با آقای کریم‌سنجابی‌است. وی‌میپرسد، «چرا قرار را برقرار ترجیح داده‌اید؟ نکند هوای رئیس‌جمهور شدن بسرتان زده؟» وباذکر مثالی، عملی نبودن‌چنین فکری را گوشزد میکند.

● آقای **موسی‌ش.** نامهٔ‌شما کارگر با تعجب‌به را با شادی خواندیم، راجع به تهمتهائیکه به حزب توده ایران میزنند، البته حق با شماست که در بسیاری موارد از اتهام زنندگان جای‌گله وشکایت نیست، زیرامنافع طبقاتی و روش سیاسی آنها چنین اقتضا میکند و بقول شما اگر تعریف میکردند، جای تعجب میبود و میبایست از خود بپرسیم، چرا ازحزب تعریف میکنند؟!، امیدواریم تماس و ارتباط شما با دوستان ما در محل‌کارتان بیشتر و محکمترشود. موفقیت شما را خواهانیم.

● دوست عزیز **همیاور**، بخاطر پیشنهادها و نظریاتی که برای بهبودکار ارائه داده‌اید، تشکر میکنیم. نشر مقالات ایدئولوژیک را ادامه خواهیم داد، ولی مقدار دو صفحه، که شما پیشنهاد میکنید، بنظر ما زیاد است. صفحات روزنامه علاهشت‌صفحه شده وگاه‌اخیراً تا ۱۲ صفحه هم رسیده. در مسئله قیمت روزنامه‌هم امیدواریم دیگرمشکلی نباشد، زیرا مربوط به بهای چاپ و کاغذ و غیره میشود. فروش دستی روزنامه‌هم اخیراً سازمان بهتری یافته و از این نظر حتماً راضی هستید.

بیانیه حزب کمونیست عراق

قسمت دوم

دربارهٔ وضع کنونی عراق

در برابر مخالفت شدید حزب بعث با تشکیل جبههٔ پایداری از کشورهای عربی آزادیخواه و سازمان آزادیبخش فلسطین، که پس ازسفر خائنانهٔ سادات به سرزمین اشغال شده وسرخم کردن در مقابل صهیونیست‌ها صورت گرفت، حزب ما از تشکیل جبههٔ پایداری پشتیبانی کرد، زیرا تشکیل آن،به جنبش‌ملی عربی اصالت بیشتری می‌بخشید ومحتوای اجتماعی وطبقاتی آنرا تقویت میکرد. بعث با این سمتگیری جدید شدیداً مخالفت ورزید.

رژیم بعثی بجای جبههٔ پایداری، کنگرهٔ عالی سران عرب را دربغداد دعوت نمود، ونتیجهٔ کنگرهٔ بغداد همان بود که بعث آنرا «حداقل» نام نهاد، یعنی حداقلی که رژیم های ارتجاعی بر آن تکیه کردند، نه آن حدی که مبارزهٔ قاطع‌ضد امپریالیسم وضد صهیونیسم آنرا اقتضا می‌کرد. این «حداقل» در تصمیمات متخذه از طرف وزیران عرب بشکل قابل‌لمس انعکاس‌یافت ومبارزه برای «حداقل» را به مبارزه علیه مصرسادات تخفیف داد، تا آنجاکه از باز پس گرفتن سپرده‌ها از بانك مرکزی مصر، کسه ازچند میلیارد دلار تجاوزنمی‌کند، فراتر نرفت. درصورتی که سپرده‌های کشورهای عربی دربانکهای کشورهای سرمایه‌داری باختری، که‌کمك مالی باسرائیل میکنند و از دویست میلیارد دلارمتجاوز است (ازجمله سپرده‌های عراق که از ۹ میلیارد کمتر نیست) بجای خود باقی ماند. اکثریت مرتجع پیشنهاد بنیادی یاسرعرفات را نیز دایر برقطع روابط با آمریکا واجرای تصمیمات متخذهٔ کنگرهٔ دوم ملت عرب (دمشق، نوامبر ۱۹۷۸) ردکرد.

انحراف درسیاست بین‌المللی بعث، با حملهٔ تبلیغاتی‌متکی به تعصبات ملی، با سمتگیری خصومت‌آمیز علیه اتحاد شوروی، بویژه پس ازاعدام ۳۱ نفر کمونیست درسال گذشته، آغازشد. گوئی اتحاد شوروی وسوسیالیزم جهانی‌هستند که‌استقلال عراق یا سرزمین عرب را تهدید میکنند. علیه کشورهای عربی آزادیخواهی که به حق معتقدند مبارزهٔ قاطع علیه امپریالیسم وصهیونیسم، مستلزم دوستی وصداقت با اردوگاه سوسیالیستی وبویژه اتحادشوروی‌است- امری که‌کنگرهٔ‌ملت عرب نیز تصریح نموده- حمله آغازشد. رهبران بعث اینك این سیاست را درمنطقه اعمال میکنند، گوئی منطقه از نفوذ آمریکا واسرائیل دست نشاندهٔ آن و از منازعات بین‌المللی و جنك وجدال‌هائی که برمی‌انگیزانند، آزاد است.

در این اواخر وابستگی عراق‌به‌سرمایه‌داری جهانی تشدید شده است. واردات‌عراق ازکشورهای سرمایه‌داری پیش رفته بیش‌از ۷۸٪ است وسهم آنکشورها دربرنامه‌های عمرانی عراق از ۹۱٪ تجاوز کرده است. برای‌پیشبرد این روند استدلال میشود که گویا تکنیك سرمایه‌داری پیشرفته است. درصورتی که‌یك‌کارخانه آهن اسفنجی که ازفرانسه وارد کرده‌اند، بعلت اینکه کارشناسان‌خارجی از بکار انداختن آن عاجز مانده‌اند، بکارنیافتاد وعراق جهت بکار انداختن آن بدولتهای سوسیالیستی توسل جست. میلیاردها پول برای پروژه‌هائی خرج شده است که ازلحاظ اقتصادی بررسی لازم نشده ودرصرفه‌دار بودن آنها تردید هست. همراه با این وضع، بورژوازی‌بوروکراتیك ازلحاظ کمی‌وکیفی‌گسترش یافته وبردستگاه عظیم اقتصادی دولت‌مسلط شده وسمتگیری سرمایه‌داری را دربخش دولتی تقویت میکند، وبخش خصوصی را هم چنان تقویت کرده، که مانندیك طفیلی آزمند خون بخش دولتی را میمکد وخود در سود وبهره آن شریك‌است. کارمندان بلند پایه دولتی باشیوه‌زندگی وشکوه وجلال افسانه‌ای راه بورژوائی را درپیش گرفته‌اند. گسترش بورژوازی کشاورزی وبخش مقاطعه‌کاری تسریع میشود. مفهوم سوسیالیسم بعثی به‌ادامه رشدبخش سرمایه‌داری خصوصی‌در کنار سرمایه‌داری دولتی بدل شده است.

درسالهای اخیر توده‌های زحمتکش ازتثبیت‌مزدها وافزایش نرخ تورم تا بیش‌از ۹٪ درسال وافزایش مستمرقیمتها وکمیابی گاه به‌گاه مواد مصرفی، کثیرالمصرف در رنج وعذابند. کارگر یا کارمند کوچك نصف حقوقش‌را کرایه منزل میپردازد. بحران مسکن بصورت وحشتناکی شدت مییابد وحتی برروی‌کاغذ هم‌یك نقشه صحیح جهت حل بحران مسکن وجودندارد.

جبهه در این اواخر در نظر حزب بعث جنبش موسسه‌ای از موسسات آن یایك دفتر تبلیغاتی آن مفهوم دیگری نداشت. جلسات کمیته‌عالی جبهه‌سالی یکبار تشکیل‌میشدو به‌تبادل معلومات بدل‌شده بود. دبیرخانه‌جبهه فقط بدفتری بدل‌شده بود جهت طرح شکایات مربوط به‌تعدیات مقامات رسمی علیه کمونیستها ودمکراتها. مفهوم جبهه مبهمی یااتحاد بین‌نیروهای‌اجتماعی وسیاسی ازنظر حزب مامفهوم دیگری دارد و بمعنی اصلی ازاصول‌استراتژیك و تاکتیك لینینی است.

بنا براین‌حزب ما برآنست که یگانه راه حل بحران‌کنونی عراق عبارتست از تشکیل یك‌جبهه دمکراتیك از احزاب سیاسی ازلحاظ ایدئولوژی وسیاسی وسازمانی مستقل، که برای هر کدام آنها حق انتقاد وانتقاد ازخود محفوظ باشد، نه‌اینکه بـه‌آلتی در دست حزب حاکم بدل شوند. این‌جبهه باید آزادیهای‌دموکراتیك، مانند آزادیها وحقوق سیاسی وسندیکائی وموسسات قانونگذاری منتخب ملت باآزادی کامل را تأمین نماید ونیز خودمختاری‌در چارچوب موجود یك‌عراق دمکراتیك را برای کردستان عراق تضمین کند.

برحسب‌برنامه‌حزب کمونیست عراق،مرحله کنونی‌عبارتست از مرحله انقلاب دموکراتیك ملی وموفقیت آن منوط است به‌طرد علمی، نه شفاهی، راه رشد سرمایه‌داری ومبارزه علیه امپریالیسم وهمبستگی با اردوگاه سوسیالیستی و هموارکردن راه انتقال به مرحله انقلاب سوسیالیستی.

کنگره دوم ملت عرب‌در دمشق،دموکراسی سیاسی را بمثابه یك وسیله اساسی برای بسیج توده‌های خلق در هرکشور عربی، بعنوان یك نیروی‌قاطع درمسئله آزادی‌وپایداری در مقابل تهاجم امپریالیسم‌هار تشخیص داد. حزب ما این حقیقت را تأئید میکند وبرآنستکه مسئله اساسی درحیات سیاسی امروز عراق عبارتست از استقرار دموکراسی سیاسی درکشور والغای عمل بعثی‌کردن وعربی کردن و پایان دادن بمشیوه‌های دیکتاتوری، که رژیم بعثی از آن پیروی میکند،وخاتمه دادن‌به‌ترورواختناق نظامی وپلیسی‌علیه خلق عراق.

برغم تمام‌این‌جریانات، حزب‌ما درماه فوریه‌گذشته‌آمادگی خود را برای مذاکره‌باحزب بعث عربی اشتراکی درعراق، پس‌از متوقف ساختن ترورواختناق پلیسی وحمله تبلیغاتی دشمنان علیه کمونیسم وایجاد یك‌جو طبیعی براساس دموکراسی سیاسی، ابراز داشت. ولی حزب بعث این‌موضعگیری سازنده را ردکرد.

حزب مابادیگر احزاب‌ملی‌ودمکراتیك وهمه ترقیخواهان را، اعم ازعرب وکرد واقلیتها، فراخواند تا برای خاتمه دادن به بحران سیاسی کشور یك جبهه دموکراتیك ملی تشکیل دهند، که هدف اساسی آن استقرار دموکراسی در عراق و خودمختاری صحیح برای کردستان عراق‌وآماده‌کردن‌کشوربرای مشارکت‌وپیکار ملت عرب علیه امپریالیسم و صهیونیسم وارتجاع باشد. حزب ما به جمیع طرفهائی‌که به دمکراسی واقعی ایمان دارند، پیشنهاد میکندکه بر اساس مطالب ذیل وارد مذاکره شوند،

- استقرار آزادیهای دمکراتیك سیاسی وسندیکائی و صنفی برای‌کلیه احزاب ملی ودمکراتیك،

- لغووضع فوق‌العاده، لغوقوانین ودادگاههای‌مباین با دمکراسی وتضمین استقلال قضائی،

- استقرار خود مختاری حقیقی برای خلق‌کرد و تضمین حقوق اقلیت‌ها از لحاظ فرهنگی واداری در چارچوب جمهوری عراق،

- مبارزه قاطع و پیگیر علیه امپریالیسم وصهیونیسم و ارتجاع وشرکت جدی در جبهه پایداری ومقاومت دربرابر تهاجمات امپریالیسم‌هار بر ملت عرب ما،

- تائید پشتیبانی خلق عرب فلسطین با تمام وسائل ممکن،جهت‌آزادکردن‌اراضی‌اشغال‌شده‌از طرف اسرائیل وتشکیل دولت مستقل درآن سرزمین،

-کوشش جهت وحدت خلق عرب برای مبارزه با امپریالیسم،صهیونیسم‌وارتجاع‌واستقرار‌دمکراسی‌در کشورهای عربی وبسیج نیروی توده‌ها،

- تأیید پیمان دوستی با اتحاد شوروی، بموجب قرارداد دوستی عراق - شوروی و با سایرکشورهای بلوك سوسیالیستی،

- رد راه رشد سرمایه‌داری.

خلق کبیرعراق!

حزب‌کمونیست عراق یك برنامه عملی را به همه نیروهای سیاسی‌وملی ودمکرات‌درکشور برای‌رهائی ازبحران‌کنونی پیشنهاد میکندکه عبارتست از: استقرار یك حکومت ائتلافی با شرکت‌همه احزاب ونیروهای ملی، اعم از عرب و کرد و اقلیتهای ملی، که براساس‌یك برنامه‌واقعی جبهه دموکراتیك مورد توافق متحد شوند، تا یك رژیم دمکراسی را در عراق وخود مختاری واقعی را در کردستان مستقر نمایند و در پیکار برای آزادکردن سرزمین عربی شرکت کنند.

کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق

اخبار دهقانی

به خواستهای دهقانان باید توجه شود.

نامه‌ای دریافت کرده‌ایم از بخش کرند از توابع شهرستان کرمانشاه. نامه را دهقانان **روستای «زرده»** نوشته‌اند. آنها مینویسند، «سالهای سال از امکانات رفاهی واجتماعی بکلی محروم واز نیازهای اولیه زندگی، از جمله نان ومسکن ولباس در مضیقه شدید بودیم. سالها ما را فریب میدادند و دستر نجمان را چهاول میکردند وبرما فرمان میراندند. ازآنجا که مردبستمدیده و مبارز ایران برای برانداختن بیداد وستمگری ورفع هرگونه استثمار و استبداد بپا خاستند، دیگر نمیخواهند و انتظار این را ندارند که مثل گذشته بر آنها ستم رود. دهقانان ابرازامید کرده‌اند که جمهوری اسلامی ایران خواستهایشان را برآورده سازد.

مطالبات دهقانان روستای «زرده» عبارتند از: ۱) تامین آب وبرق ومدرسه راهنمائی ودرمانگاه وحمام ۲) تامین بذر و کود وماشینهای لازم کشاورزی ۳) معاف بودن از پرداخت قسط زمین وبهرهٔ آن ۴) لغوکلیه بدهیها به بانك تعاون وشرکتها و بانکهای‌دیگر وتامین وام بدون بهره‌ودرازمدت برای‌روستائیان۵) تامین بهداشت ودرمان رایگان.

زیر این نامه، که به «مردم» رسیده، دهها اثر انگشت و امضای دهقانان ده «زرده» دیده میشود.

هوا داران حزب توده ایران در این منطقه از خواستهای دهقانان زحمتکش پشتیبانی نموده میگویند، برخی از این‌خواستها فورا قابل اجراست، مثل معافیت از پرداخت قسط و الغای بدهیها به بانکها وتامین وام. زمین حق مسلم‌دهقانان‌است وبنام فروش‌آن نباید چیزی از دهقانان گرفته شود. این دهقانان‌آنقدر بنیه مالی ندارند که حالا بتوانند قسط و بدهی به بانك را بپردازند ودولت میتواند اعلام نماید که در همه جا دهقانان از پرداخت اینگونه وجوه معاف هستند. بقیه خواستها نیز که محتاج زمان است، بایدبا اختصاص بودجه‌کافی ونیروی انسانی لازم بتدریج، ولی مصممانه‌و پیگیرانه‌برآورده شود. فعلامهم راحت‌کردن خیال دهقانان ازمسئله زمین واعلام رسمی‌وقطعی‌کوتاه شدن دست مالکان از زمینهای زراعی والغای همه اقساط وهمچنین دیون مختلف است.

روستائیان ده‌کرون خواستار برکناری عناصر ناصالح از ریاست کمیته ده‌هستند

در تاریخ ۳۱مرداد، در دهکده کرون، از منطقه دردشت، واقع در۶۰فرسنگی کوهپایه، از توابع اصفهان، بین دوگروه ازروستائیان درگیری رخ میدهد که بقتل یکنفر و مجروح شدن‌گروهی ازروستائیان منجر میشود. عامل درگیری‌فردی است بنام‌حسن‌کاظمی، که بعلت فعالیتهای ستم‌گرانه وظالمانه‌اش مورد تنفر وانزجار مردم ده بوده واز چندی قبل باپشتیبانی یك‌روحانی بنام قدیری، بریاست کمیته ده انتخاب شده است.درزمان رژیم‌پهلوی این مرد از طریق نفوذدرش کت‌تعاونی درهبری ده، ازطریق‌گرانفروشی وتماصاحب زمینهای‌وقفی وگرفتن باج ازدرآمد کشت‌خشخاش مردم روستا وزورگوئی واجحاف، ثروتی بهم‌زد وپس از انتخاب شدن بریاست‌کمیته ده بعداز انقلاب، باایجادتفرقه بین روستائیان وباعملیات خرابکارانه، ازقبیل خرابکاری‌در خطوط لوله‌های آب منازل روستائیان وسوراخ کردن بنکه های روغن مخصوص تراکتورهاوموتور پمپها، زدن‌برچسب ضد انقلابی‌بمخالفان، بااستفاده‌از اوباشان وافرادنا آگاهی که بدور خود جمع کرده، میکوشد موقعیت قبلی خودرا حفظ کند.

باپالاگرفتن‌فعالیتهای تحریك‌آمیز این‌فردوافزایش اذیت وآزار روستائیان ازطرف اوباش کار به درگیری می‌کشد.

درروز ۳۱ مرداد، حسن کاظمی، بهمراه چند نفر اوباش مسلح به‌چاقو وزنجیر وچماق، بسراغ فردی بنام عبدالکریم سراجی، ازمعتمدین ده، که‌کلید موتورخانه‌چاه آب آشامیدنی روستارا بهمراه داشته می‌روند وچون او از دادن کلید به آنها امتناع می‌کند، وی‌را می‌کشند وبه‌پس‌به روستا ریخته، لوازم خانه‌های روستائیان راخرد کرده‌وآنها را بشدت مضروب ومجروح می‌کنند، بطوریکه ۳۸ نفر به دلیل شدت جراحات درمرکز پزشکی دکتر شریعتی‌اصفهان بستری می‌شوند.

روستائیان کرون از وجود چنین شرایطی بشدت ناراحت وخشمنا کندوخواستاررسیدگی جدی وفوری‌مقامات مسئول به‌وضعیت کمیته ده وبرکناری ومجازات حسن‌کاظمی وضاربین هستند.

چرا به‌خانهااسلحه داده میشود، درحالی‌که باید از دامهای روستائیان مواظبت کرد؟

دردهات اطراف شیراز، از زمان پیروزی انقلاب تاکنون، چندین‌باردامهای روستائیان ربوده شده است. این روستائیان‌تقاضا دارند که اگر دولت وارگانهای انتظامی قدرت جلوگیری از این دزدیها را ندارند، با دراختیارگذاشتن اسلحه این وظیفه را بعهدهٔ خود روستائیان واگذارند. بخصوص که بگفتهٔ این‌دهقانان، متأسفانه تاکنون دربیشترموارد، اسلحه فقط دراختیار فئودالها وامدادارانی قرارگرفته که قبل از انقلاب نیزهمهٔ امکانات دراختیارشان بوده و با رژیم سابق رابطه داشته‌اند، از جمله مردی بنام غفوری ۵ قبضه تفنك برنو و ۳ـ۲ ازکمیته‌گرفته است. وی حدود ۴۰۰۰ رأس‌گوسفند دراختیار دارد وگفته می‌شودکه بیشترین‌گوسفندان متعلق به عزیزالله قوامی- سرسپردهٔ رژیم سابق- یکی از بستگان وی است.

دهقانی‌که۱۴ رأس‌گوسفندش دزدیده شده بود، می‌گفت‌که چگونه قبل ازانقلاب، نامبرده بجرم شکار سه‌آهو درفصل غیرمجاز وحمل اسلحهٔ بدون جواز، فقط ربع ساعت در ژاندارمری بود وهم شکارها وهم تفنك دوباره به وی تحویل‌گردید. جرمی‌که برای یک فرد عادی حداقل ماهها زندان وپرداخت مقدارهنگفتی جریمه دربی‌داشت.

دهقانان اظهار می‌داشتند که ما با دستهای خالی هر روز نگران هستیم‌که مبادا دزدان وضد انقلابیون به خرمنهای‌گندم وتعداد‌کم‌گوسفندان ما، که زندگیمان را تشکیل میدهد، حمله کنند.

ازمحصول‌دفاع کنیم

حدود دوهفته قبل‌در روستاهای **درگز** (استان خراسان) ۷ـ۶ هکتار از مزارع‌گندم به‌آتش کشیده شد. علت این حادثه هنوز بدرستی معلوم نشده. بعضی‌میگویند‌حادثه‌سهوی ودراثر‌روشن کردن آتش توسط یك پسربچه بوده و عدهٔ دیگری میگویند روستائیانی که در مزارع مشغول‌کار بوده‌اند، سه نفر موتور سوار را دیده‌اند که مزارع‌را آتش‌زده‌اند.

وقوع حادثه فوق باعث شده که سایر روستائیان در برداشت محصول تعجیل کنند. در ضمن لازم است با هشیاری کامل‌مواظب دسایس‌مختلف بوده‌ازمحصول، که‌با اینهمه خون جگر فراهم شده، دفاع کرد. **آتش‌زدن محصول دهقانان تنها بسود ضدانقلاب‌است.**

از انتشارات حزب تودهٔ ایران

منتشر شد:

۱ـ ترجمه جدید اثرلنین در بارهٔ **فریدریش انگلس** از محمد پور هرمزان

۲ـ مانیفیلیسم تاریخی (کتاب دوم) تألیف امیر نیك‌آئین.

بزودی منتشر میشود:

مانیفیلیسم‌دیالکتیك (کتاب اول) تألیف امیر نیك‌آئین.

ازکمکهای رفقاو دوستان سپاسگزاریم

ع. م.	۵۰۰ ریال
۴ ازشیراز	۵۰۰۰ «
خسرو از شیراز	۷۰۰۰ «
ح. ش. ج ازشیراز	۵۰۰ «
رخشاره۸ساله‌ازشیراز	۱۰۰ «
ع. م. ازکاشان	۵۰۰۰ «
ن. میلانی	۱۵۰۰ «
خانواده رویا	۲۰۰۰ «
بیان ۱ آموزگار	۶۰۰۰ «
تهیه یك دسته گل از جانب یك همشهری برای رفیق فقید قدوه	۱۵۰۰۰ «

از روستاهای زیبا کنار و نوده وچون چنان ولشت نشاءدو رشته زنجیر گردن بند ساده، یك گردن بند الله، یك پلاك طلا یك قطعه ده روبلی طلای قدیم

اخبار کارگری

کارگران کارخانه دوباره خشك‌کنی توتون رشت و دخانیات استان گیلان خواستهای خود را با مسئولان مربوطه درمیان گذاشتند

کارگران‌کارخانه دوباره خشك‌کنی توتون رشت و سازمانهای تابعه دخانیات درسطح استان‌گیلان، که با انواع تبعیضهاو نارسائیهای حاصل‌ازدوران پهلوی دست‌بگریبانند، پس ازپیروزی انقلاب شکوهمند مردم ایران، با تشکیل سندیکا وانتخاب اعضای هیئت مدیره سندیکا، خواستهای‌خود را بشرح زیربن درمیان‌گذاشتند.

۱ـ افزایش دستمزدها واجرای تصمیمات دولت‌در مورد حداقل دستمزد وهماهنك‌کردن درآمدکارگران باسطح هزینه زندگی،

۲ـ اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل‌کارگران در کارخانه وواحدهای تابعه دخانیات درسطح استان‌گیلان،

۳ـ پرداخت پاداشهای تولید کارگران، بمانند گذشته،

۴ـ تشکیل کمیسیون فنی بمنظور تغییرسمت‌کارگران براساس‌استحقاق‌حرفه‌ای وسنوات خدمتی‌آنان،

۵ـ یکنواخت‌شدن حقوق‌ومزایای کارگران‌دخانیات در استان‌گیلان باکارگران شاغل در واحدهای مرکزی و پرداخت دستمزدومزایای‌مساوی برای مشاغل مشابه،

۶ـ تغییروضع وبهداشتی نمودن شرایط سالن ناهار خوری‌کارگران،

۷ـ دوخت وتحویل لباس‌کارگران برای استفاده در محیط‌کار،

۸ـ تأسیس شرکت تعاونی‌کارگران باکمك مادی و معنوی شرکت دخانیات ایران،

۹ـ برسمیت‌شناختن‌وایجاد تسهیلات‌برای‌نمایندگان سندیکا جهت رفع مشکلات‌کارگران،

۱۰ـ ایجاد سرویس رفت وآمدکارگران وپرداخت هزینه ایاب‌وذهاب بکارگران تابرقراری سرویس منظم.

کارگران خواستهای خودرا‌تنظیم و بوسیله‌نمایندگان سندیکا به مسئولان ودخانیات تسلیم نمودند،کارگران با اعلام خواستهای خود، ضمن ادامه بکار روزانه، در اجرای این خواستها پافشاری‌کردندو براین‌پافشاری آنان، این‌خواستها درکمیسیون خاص متشکل ازنماینده تمام‌الاختیاراستاندار گیلان، نماینده اعزامی شرکت دخانیات ازمرکزومدیرکل دخانیات استان ونمایندگان سندیکای‌کارگران طرح شد ودر روزهای ۵۸/۵/۲ و ۵۸/۵/۴ مورد رسیدگی قرارگرفت‌و اعضای‌کمیسیون بالاتفاق‌خواستهای دهگانه‌کارگران را برحق تشخیص دادند وبراساس توافقی‌که بین طرفین بعمل آمد، مسئولان شرکت دخانیات تعهدنمودند‌که در فاصله زمانهای تعیین شده درتوافقنامه، بخواستهای دهگانه‌کارگران ترتیب اثربدهند وکارگران هم‌دراین مرحله حساس ازگذارانقلاب شکوهمند مردم ایران، بابهش انقلابی وباهماتنات وآرامش، وظائف‌کاری وامورجاری مربوطه را بانجام برسانند.

موفقیت کارگران کارمزدی

پس‌ازپیش‌ازیکماه‌ونیم‌تلاش برای تبدیل کردن کارمزدی به روزمزدی درکارخانه «ریسندگی‌و بافندگی کرج»، کارگران‌موفق شدند که این کار را بانجام برسانند و قراردادی درتاریخ ۵۸/۵/۳ امضاءدریافت ونیز حقوق کارگران طبق بخشنامه وزارت کار افزایش پیدا نمود. مضمون قرارداد به‌شرح زیر است،

-پایه‌حقوق برای کارگران دستباف، که قبلا تماماً کارمزد بوده‌اند، ۳۸۰۰۰ ریال و برای دیگرکارگران حقوق اسفندماه ۵۷ به اضافه ۱۰۵۰۰ ریال طبق بخشنامه وزارت کار تعیین شد.

- برای کارگران دستباف هرسال سابقه ۱۱۰۰ ریال و دیگرکارگران ۹۰۰ریال.

- برای‌کارگران حق‌مسکن، حق خواربارطبق بخشنامه‌وزارت کار در نظر گرفته شده است و همچنین پنجشنبه‌ها بعدازظهر کارگاه متعطیل خواهد بود.

مابه‌التفاوت این حقوقها از اول فروردین باید پرداخت گردد.

روزمزد شدن‌کارگران دراین کارگاه پیروزی‌بزرگی‌است برای صنف‌بافنده سوزنی‌چون‌هیچ یك‌از کارگران‌صنف‌نمی‌توانستند بپذیرند که کارمزدی تبدیل به روزمزدی بشود.

مردم ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران فعلا هرهفته سه شماره، شنبه، دوشنبه و چهارشنبه منتشر می‌شود.

لشانی،

خیابان ۱۶ آذر، شمارهٔ ۶۸، تلفن، ۹۳۳۴۵۹ و ۹۳۵۷۲۸

دهقانان جاده، پل، آب آشامیدنی، بهداشت وبرق میخواهند

بدفتر «مردم» نامه‌ای رسیده است ازدهقانان دو آبادی، **سیدسهراب وسیدفتوح**، در نزدیکی قصرشیرین. نامه‌را ۴۴نفر از اهالی ایزدو ده‌نوشته وزیرآن چندنفری امضاکرده وبقیه اثر انگشت گذاشته‌اند. متن نامه‌توسط‌سید سلمان فتاحی،کدخدای آبادی سیدفتوح وسیدبرزوحسینی، کدخدای‌نصرآباد‌سیدسهراب‌تصدیق‌شده‌وایشها امضاکرده‌اند، که تمام خواستهای دهقانان‌را تأئید میکنند، اهالی دوده با توجه باینکه امام خمینی تامین زندگی مستضعفین را هدف اصلی انقلاب دانسته‌اند، خواستهای خود را چنین مطرح میکنند،

۱)این دوآبادی دردو طرف رودالوند قراردارند و ساختن پل روی این رود برای ارتباط دوآبادی وبرای آنکه اهالی سیدسهراب محصولات خود را بشهر برسانند، کمال ضرورت رادارد.

۲)آبادی‌سیدفتوح تاکنارجاده‌دارای چهارکیلومتر راه خاکی است که با دوساعت باران‌بند میآید وارتباط‌با همه‌جاقطع‌میشود. این‌جاده‌فرعی باید مرمت واسفالت شود.

۳) چون دوآبادی درمنطقه گرمسیر قراردارند، حداقل رفاه دهقانان بستگی‌به‌برق دارد‌که درحال حاضرهر دوآبادی‌فاقد آن‌است.

۴)آب‌آشامیدنی‌ازچشمه‌هائیکه‌دویاسه‌کیلومتردورتر ازدهات هستندویاازرودخانه تامین میشودکه همه‌آلوده وغیر بهداشتی هستند وبدین ترتیب انواع بیماریهای مسری در اینجا رایج است. تامین آب سالم وتوجه به‌بهداشت خواست دیگر دهقانان این دوآبادی است.

از انتشارات حزب تودهٔ ایران

منتشر شد:

۱ـ ترجمه جدید اثرلنین در بارهٔ **فریدریش انگلس** از محمد پور هرمزان

۲ـماتریالیسم‌تاریخی (کتاب دوم) تألیف امیر نیك‌آئین.

بزودی منتشر میشود:

ماتریالیسم‌دیالکتیك (کتاب اول) تألیف امیر نیك‌آئین.

لزوم قطع رابطه ریال و دلار و بهبود سیستم ارزی کشور

درگفتار قبلی، آثار و عوارض نامطلوب اقتصادی ناشی از ارتباط استوار بار ریال و دلار را، که صرفادر جهت منافع امپریالیسم جهانی، به خلق زحمتکش کشورمان تحمیل شده بود، برشمردیم. بطور خلاصه عمده‌ترین عوارض وابستگی ریال و دلار، که متاسفانه هم اکنون نیز ادامه دارد، در درجه اول تشدید وابستگی کشور به صدور هرچه بیشتر نفت و از بین رفتن قدرت رقابت محصولات و تولیدات کشاورزی و صنعتی داخلی و در درجه دوم بعدل تر شدن و تشویق فرار سرمایه بصورت ارز از کشورمان بود، در اثر وابستگی ریال به دلار، خرید کالاها و محصولات وارداتی از غرب برای مردم ایران ارزانتر از محصولات ساخت داخل تمام میشد. سیستم حمایتی و تعرفه گمرکی سنگینی که در زمان رژیم ساقط شده قبلی وضع شده بود، بدلیل آنکه اولا غالبا برای کالاهای وارداتی جانشین داخلی کمتر وجود داشت، ثانیاً مواد خام و اولیه و قطعات صنایع مونتاژ، معاف از سود گمرکی و بازرگانی بود، تاثیری در تقلیل واردات و ایجاد امکان رشد سالم صنایع ملی و غیروابسته به سرمایه‌های جهانی نداشت.

تجربه ومحاسبات مانشان داده است که در حال حاضر نرخ ریال نسبت به تمام ارزهای خارجی بالاتراز حد متعادل و ضرور آن تثبیت شده است. بعبارت دیگر، ارزش ریال کم‌ارزش ازمیزان واقعی آن است واین امر موجب ارزانی کالاهای وارداتی است که قبلا شرح آن آمد. بنابراین لازم است ارزش ریال درمقابل ارزهای خارجی، خصوصاً دلار، مارک آلمان فدرال، ین ژاپن، پوند استرلینگ و فرانک فرانسه طوری تعیین شودتا برابری ریال باتمام ارزها بسمت یك حالت تعادل سوق داده شود. به‌بیان دیگر، باید ارزش ریال نسبت به ارزهای خارجی، توسط عوامل اقتصادی مهمی چون ارزش تولیدات داخلی وسطح متوسط قیمتها تعیین‌شود. چنانچه نرخ تورم در ایران مثلا بالاتراز امریکا یا ژاپن باشد، ارزش ریال متناسب باتفاوت نرخ تورم بااین دوکشور کاهش‌یابد، یعنی‌ارزش ریال در مقابل ارزهای خارجی، هریك مستقل ازدیگری وبراساس سطح قیمتهای نسبی وسطح تولیدات کشور وبه‌دیگرسخن، براساس قدرت خرید ریال تعیین شود وهرچندگاه که‌ضرورت ایجاب کند، این نرخها براساس عوامل یادشده تغییرکند.

دسترس وحصول تعادل درارزش‌ریال درمقابل‌ارزهای‌خارجی بایستی‌درسرلوحه سیاستهای ارزی‌بانك مرکزی‌ایران قرارگیرداما این تعادل بایدبتدریج ومتناسب باافزایش توانائی اقتصاد داخلی وقطع وابستگی همه جانبه به سیستم بحران زده امپریالیسم جهانی برقرارشود. درحال حاضر که هنوزگریبان اقتصادکشورمان ازشکل تك محصولی (نفت) و وابستگی اقتصادی به سرمایه داری جهانی رها نشده است، نول بـه تعادل مطلوب مستلزم تنزل شدید ارزش ریال نسبت به تمام ارزهای خارجی است. اما تنزل ارزش ریال در این شرایط که هنوز بخش‌اعظم مواد اولیهٔ صنایع ومواد غذائی‌مورد نیازکشوراز خارج وارد می‌شود، باعث‌گرانتر شدن قیمت‌کالاهای وارداتی وافزایش قیمتها وتشدید تورم می‌شود. دراین دوره فترت وانتقالی که واردات ارزان عامل‌مثبتی درجهت جلوگیری ازتشدید تورم و موجب براه افتادن صنایع وتجارت بحران زدهٔ ایران‌است، تنزل ارزش ریال تاثیر ضربه‌آوری برپیکر نحیف و بیمار اقتصاد کشوروارده‌می‌آورد. بنابراین‌متعادل کردن **یکباره‌وفوری** ارزش ریال باعث تشدید تورم وافزایش قیمتها می‌شود، که هم‌اکنون نوز چهرهٔ کریه آن فشار زیادی بردوش طبقهٔ کارگر ودیگرزحمتکشان وافراد کم درآمد وارد می‌کند.

با توجه به مباحث فوق ، از نظر ما سیستم مطلوب نـرخ ارز ایران دارای مشخصات زیرین است،

۱ـ ایجاد برابری مجدد ریال در مقابل ارزهای خارجی ، بدون توجه به برابریهای فعلی، براساس تفاوت بین نرخ تـورم ایران وپنکایك کشورهای عمدهٔ طرف معامله باکشور. اماهمانطوری که قبلاگفتیم، بدلیل شرایط موجود، نرخ ریال بایستی‌موقتاً بالاتر از میزان واقعی آن معین گردد، تا واردات از خارج، تا هنگامی که صنایع ملی وصنایع غیروابسته تکافوی نیازهای داخلی راکرده است، ارزانتر تمام شود وبدین وسیله تـا حدی ازگسترش تـورم جلوگیری به عمل‌آید. بدیهی است کـه مبارزه با تورم از طریق اعمال سیاستهای انقباض پولی و مالی، که توسط اقتصاددانان جیره خوار انحصارات امپریالیستی توصیه می‌شود، میسرنیست. تنها راه مبارزه با تورم افزایش تولیدات صنعتی وکشاورزی وایجاد توازن بین رشد بخشهای مختلف اقتصادی ازطریق برنامه ریزی متمرکز دولتی و تأمین نقش مسلط دولتی در اقتصادکشور است.

۲ـ همزمان با رشد تولیدات داخلـی وتقلیل وابستگی و نیاز به واردات از خارج، باید برابری ریال نسبت بدلار و سایر ارزها به تدریج به نرخهای مطلوب ومتعادل سوق داده شود تـا بدینوسیله از صنایع ملی‌کشور درمقابل غارت امپریالیسم جهانی حمایت شود. واضح است‌که نول به تعادل مطلوب درش‌ایـط کنونی به معنی‌تنزل تدریجی ارزش ریال در مقابل ارزهای خارجی است.

۳ـ استفاده از سیستم دونرخی ارز، بهمین ترتیب‌که اکنون رایج است.

۴ـ اعمال محدودیتهای شدید ارزی وگمرکی ومنع ورود کالاهای لوکس وغیرضروری وکالاهائی که مشابه‌آن درکشورتولید می‌شود وتکافوی تقاضای داخلی‌را می‌کند، اهمیت اتخاذاین‌تدابیر ازآنجاناشی‌می‌شودکه استفاده ازسیستم پیشنهادی ما برای‌جلوگیری از فرار سرمایـهٔ بصورت ارز و حفظ قـدرت رقابت‌کشاورزی و صنایع‌داخلی، بدون استفاده‌ازابزارهای دیگر، مانند وضع‌تعرفه‌های مناسب‌گمرکی محدودیتهای ارزی و از بین بردن بازار سیاه ارز، از طریق‌جمع‌آوری بساط‌صرافیهای‌آنگل‌صفت، آنچنان‌که‌باید وشاید مثمرثمر نخواهد بود.

سیستم پیشنهادی بانك مرکزی ایران

آقای محمدعلی مولوی، رئیس‌کل بانك مـرکزی ایران، در یکی از مصاحبه‌های مطبوعاتی خود، درماه‌گذشته، اظهارداشت، «برای‌جلوگیری‌ازصدور پول‌توسط چپاولگران... تصمیماتی اتخاذ شده‌که‌اهم‌آن قطع رابطه ریال بـا دلار است...» و «جدا شدن رابطه ریال و دلار همزمان با برقرار نمودن رابطه ریـال است با حق برداشت مخصوص (اس.دی.آر) و بنابراین اساس، ارزش‌دلاردر کشور حالت نوسانی خواهدداشت.» (کیهان، مورخ ۱۳۵۸/۴/۱۴)

لازم بتوضیح است‌که حق برداشت‌مخصوص یا «اس.دی.آر» (SDR) واحد محاسبه صنـدوق بین‌المللی پـول(۱) است. ارزش «اس. دی. آر» نسبت به‌پول کلیه‌کشورها هرروزتغییر میکندومحاسبه آن براساس معدل ارزش پول‌کشور برحسب دلار (منجمله ریال) است، در مصاحبه یاد شده، رئیس‌کل بانك‌مرکزی ایران زمان‌قطع این پیوند و نحوه ارتباط ریـال با «اس.دی.آر» و نیز مشخصات سیستم ارزی‌آینده را ذکر نکرد.

قطع رابطه ریال و دلار عملی است بسیار ضروری و لازم. اماهمانطوریکه درمقاله پیش ذکرکردیم، چنانچه سیستم‌ارزش‌گذاری ریال در مقابل دلار و سایر ارزهای خارجی، آگـاهانه و با مطالعه دقیق تدوین نگردد، نه‌تنها مشکلات فعلی حل نشـده باقی میمانند، بلکه‌آثار و عوارض نـامطلوبی که هم‌اکنون در اثر خیـانت رژیم فاشیستی پهلوی وجود دارد، گسترش خواهد یافت.

قبلا ذکرکردیم که ارزش‌حق برداشت مخصوص«اس.دی.آر» براساس معدل پول‌کشور عضو صندوق بین‌المللی پول بطـوررروزانه محاسبه میشود و ریال ایران نیزبیشتر از ۲ تا ۳درصد ارزش‌آنرا تعیین نمیکند و چون از مدتها قبل‌ریال ایران به‌دلار وابسته بوده است و ارزش قائم به‌ذات ندارد، میتوان‌گفت‌که حـدود ۳۸ درصد ارزش «اس. دی.آر» را عملا دلار امریکا تعیین میکند. بنابراین ریال ایران عملا نقشی در تعیین ارزش، «اس.دی.آر» ندارد.

اشکال ارتباط ریال با «اس.دی.آر» تنها این نیست کـه حدود ۳۸ درصد ارزش آنرا دلار تعیین میکند، بلکه عیب‌سیستم پیشنهادی رئیس کل بانك مرکزی ایران اینست‌که، ارزش ریـال را بواحد محاسبه‌ای مرتبط میکند، که تابع هیچ یك ازعوامـل اقتصادی داخلی، مانند میزان درآمد ملی وسطح قیمت‌های کشور نیست. به‌عبارت دیگر ارتباط‌ریال باه«اس.دی.آر» اسارت یك‌جانبه با دلار (که هم‌اکنون نیز وجود دارد) تبدیل به اسارت چندجانبه میکند، در صورت ایجاد پیوند مستقیم ریال بـا «اس. دی. آر»، ارزش خارجی ریال بجای آنکه براساس عملکرد داخلـی اقتصاد کشورمان‌تعیین شود، وابسته به‌عملکرد بازارهای پولی بین‌المللی لندن، نیویورك، فرانکفورت، توکیو وپاریس خواهد شد.

ارزش گذاری ریال درمقابل دلار وسایر ارزها چگونه باید باشد؟

در حال حاضر، بواسطه شرایط خاص ایران ، مانند عـدم احتیاج به‌درآمدهای ارزی غیرنفتی، عدم امکان رفـع شکاف عظیم بین واردات وصادرات غیر نفتی و وجـود ضعف بنیادی دربـخش صادرات ایران، دریك‌دوره‌کوتاه مدت نقش اساسی و عمده‌ای کـه بعهده سیستم ارزی کشور است اینست کـه دولت بـاید ازتضعیف موقعیت رقابتی صنایع وکشاورزی جلوگیری کند وبتدریج قدرت رقابت از دست رفته‌را به‌این‌دوبخش حیاتی وغارت شدهٔ کشورمان بازگرداند ودرعین‌حال ازخروج ارز وسرمایه ازکشور جلوگیری کند. تصمیمات اخیر بانك مرکزی ایران مبنی برایجاد محدودیت خروج ارز وتدوین‌سیستم‌دونرخی، ازجمله قدمهای مثبت وضروری بودکه برداشته شد. این تصمیمات‌درواقع مانعی است‌برسرراه خروج سرمایه و اموال بادآورده مفتخوران و دزدان رژیم دزدپرور شاه مخلوع .

محاسن سیستم پیشنهادی

اولین حسن‌سیستم پیشنهادی مـا در این‌است‌کـه درصورت استفاده ازآن، ارزش ریال‌درمقابل ارزهای خارجی دیگر بازارهای ارزخارجی، مانند نیویورك، لندن وغیره تعیین‌نمی‌شود، بلکه تابع عوامل اقتصادی خواهدگردید ودیگر سرنوشت بازرگانی خارجی کشورمان وابسته به سیاستهای اقتصادی و ارزی آمریـکا و سایر کشورهای امپریالیستی نخواهد بود، کنترل ارزش‌خارجی‌ریال و بازرگانی‌خارجی ایران میتواند در دست دولت ملی‌قرارگیرد و زحمتکشان جامعه ازآن بهره‌مند شوند.

دومین‌مزیت شیوه پیشنهادی ما اینست‌که‌کشورهای سرمایه‌داری وغارتگر دیگر نخواهد توانست‌کالاهای مصرفی‌وبنجل خودرا ارزانتر ازقیمت واقعی وارزانتر ازمحصولات داخلی‌کشورمان در بازارهای ایران آب کنند. طی‌سالیان‌دراز، رژیم سرسپرده ودشمن قسم‌خورده خلق محروم ایران به اربابان جهانخوار خـود اجازه داده بودکه در بازارهای ایران بتوانند «دامپینگ» کنند. دامپینگ به عملی‌اطلاق میگرددکه یك‌کشور، از طریق استفاده از موقعیت انحصاری، کالاهای خود را به بالاترین‌قیمت ممکن درداخل بفروشد وهمان‌کالا را با قیمت ارزان در کشورهای خارجی بفروشد و بـه اصطلاح «بازارشکنی» بکند. امپریالیسم‌آمریکا هم‌اکنون در تمام کشورهای استعمارزده وحتی درکشورهای اروپای غربی‌وژاپن این عمل را انجام میدهد. این عمل بقدری مذمـوم و دارای ماهیت استثمارگرانه است‌که حتی‌درقاموس وفرهنگ شرورترین‌و بیفرهنگ‌ترین‌کشورها، یعنی در همـان‌کشورهـای امپریالیستی، ظاهـراً غیرقانونی است.

سیستم پیشنهادی ما بمقابله ضربه‌گیری است‌کـه نـه تنها بهدرهائی‌کشاورزی‌وصنایع‌ملی‌کشورمان‌ازقید وابستگی‌به‌امپریالیسم کمك میکند، بلکه اقتصاد ملی‌را نیز آنچنان انگل‌زدائی‌میکندکه بخشهای مختلف تولیدی آن میتوانند عـاری ازگزنـد مطامـع امپریالیسم ، رشد سالمی داشته باشند و هر چه بیشتر شکوفـا گردند .

۱ـ صندوق بین‌المللی پول مؤسسه‌ای است بین‌المللی کـه مقرآن در واشنگتن، پایتخت آمریکا است، و یکـی از وظایف عمده آن دادن وام بـه کشورهای عضو برای رفع کسری موازنه پرداختها است.

رفتار وحشیانهٔ ضد انقلاب با هواداران حزب تودهٔ ایران در تبریز

ضد انقلاب یورش وحشیانه‌ای را به هواداران حزب تودهٔ ایـران در آذربایجان شرقی، در آستانهٔ برگزاری انتخابات مجلس، به انجام رساند.

گروههای مسلح درنقاط مختلف این استان وبویژه در تبریز به هواداران حزب تودهٔ ایران، کـه سرگرم پخش اعلامیه‌ها یـا چسباندن پوسترهای انتخاباتی بودند، حمله کردند. افراد مسلح با رفتاری وحشیانه، دست وپای رفقای ما را بستند وبه‌گورستان‌های شهر بردند. درگورستان افراد مسلح به جان رفقای ما افتادند وآنها را ، درحالیکه دست وپایشان‌بسته بود، بباد کتك گرفتند وبه شدت مضروب کردند. عناصرمشکوك مسلح، رفقای ما را درهمان حال‌درگورستان رها کردند ومتواری شدند.

همزمان با این رفتارهای وحشیانهٔ ضد انقلاب، در سطـح وسیعی درشهر تبریز، عناصرمشکوك به پاره‌کـردن پوسترهای تبلیغاتی حزب ما پرداختند.

ما از مقامات مسئول‌مصرانه میخواهیم‌که جلوی این اقدامات‌ضد انقلابی‌راهرچه سریعتروقاطعتربگیرند.

تفرقه‌افکنی بازماندگان رژیم پهلوی در اراك

اخیراً درشهرصنعتی‌اراك‌وکوی‌کارگران شب‌نامه‌هائی پخش شده‌است‌کـه درآنهـا مطالبی‌جهت تفرقه‌افکنی بین کارگران شیعه و سنی‌کارخانـه ماشین‌سازی اراك درج شده است. گروهی ازکارگران سنی‌وکرد، که دراین کارخانـه‌کار میکنند، این‌عمل‌را محکوم‌کرده وبدرستی‌گفته‌اندکه عاملین چاپ وپخش این‌شبنامه‌ها فقط ساواکی‌ها میتوانند باشند ضد انقلابیون ازاحساسات مذهبی وهمچنین از آشنائی‌آنان با شهیدان خود سوء استفاده میکنند تا به نام قهرمانان و زیربرچم مذهب، وحدت منافع اساسی کارگران را خدشه‌دار سازند وبین‌آنان تفرقه بیاندازند. حربه اصلـی‌ضدانقلاب همین تفرقه‌است، ولی‌کارگران با هوشیاری تمام وحدت‌بین همه طرفداران انقلاب را اصل قرار میدهند، صرفنظر از مذهب ومسلك.

☆ ☆ ☆

در روز سوم ماه جاری، سخنانی‌درجلسه بحث آزاد کارخانه ماشین‌سازی اراك بیان شده‌که موجب جنجال‌گردید زیرا مطالب غرض‌آلـود و تفرقه‌افکنانه بـود. حدس‌زده میشودکه مدیران‌اخراجی‌کارخانه‌ماشین‌سازی وسایرموسسات وکارخانجات دراین‌ماجرا شریك شریك باشند. باین‌ترتیب‌که‌اینان کمیته‌ای تشکول داده‌اند وبرای اخلال درامر تولید و امور کارخانه‌ها جلسانی‌دارند وتوسط ایادی خود درکارخانه‌ها و مؤسسات، که مورد اعتمادشان هستند ودرسابق‌جزو عمال‌رژیم مخلوع بودند، نقشه‌های خود را عملی میسازند. یکـی از روشهای آنان پخش شایعات واظهارات غرض‌آلود و بویژه تفرقه‌افکنی‌است. حربه عمده وتاکتیك اساسی این‌گروه و عمال آنها اینست‌که بین‌مذهبی‌هـا وغیرمذهبی‌هـا اختلاف بیاندازند ومسئله حاد واساسی‌را نه سرنوشت انقلاب ولزوم نبرد با امپریالیسم وضد انقلاب، بلکه نظریات و عقایـد مذهبی‌قراردهند. کارگران بیدار فوراً دربرابر این دسیسه ضدانقلابی عکس‌العمل‌کرده، با نشان دادن سوابق کارهـای پخش‌کنندگان شایعات ومطالب غرض‌آلود، ریشه وسرچشمه نفاق‌افکنی‌ها و اهمیت وحدت همه طرفـداران انقـلاب را خاطرنشان میسازند.

آمریکا و وحشت از انقلاب‌های تازه

رویدادهای جهان

به‌گزارش خبرگزاری‌ها، وزارت جنك امریکا و سازمـان جاسوسی «سیا» به‌کارتر توصیه‌کرده‌اندکه درپی انقلاب نیکاراگوئه، کمك نظامی به‌رژیم‌های دست‌نشانده آمریکائی مرکزی را، که بـا انقلابهای مشابهی روبارو هستند، افزایش دهد. نظامیان‌آمریکائی ازموج مخالفت روزافزون مردم این‌کشورها نسبت به‌رژیـم‌هـای دست‌نشانده وسلطه امپریالیسم آمریکا وحشت‌زده شده‌اند. پنتاگون وسیا بویژه درباره اوضاع انفجارآمیز گواتمـالا والسالـوادور نگران هستند.

■ پایگاههای امپریـالیستی، خطری جـدی برای صلح

سخنرانان دراجلاس کمیته استعمار زدائی سازمان ملل‌یك صدا اعلام‌کردند، پایگاههای نظامی امپریالیسم دراطراف واکناف جهان خطری جدی برای ملل صلح دوست است. آنها خاطر نشان ساختند، سازمان ملل سالهاست به‌قدرتهای امپریالیستی تـوصیه می‌کندکه فعالیت‌های نظامی خودرا، که مخالف اصول منشور ملل متحد است، متوقف سازند. سخنرانان‌گفتند، اما قدرتهای استعماری غرب این تقاضای جامعه بین‌المللی وا نادیده گرفته‌اند. قدرتهای استعماری پایگاههای نظامی‌خود را درسرزمین‌هائی مـانند گوام، دیگوگارسیا، برمودا حفظ کرده و ازاین پایگاهها برای سرکوب جنبش آزادیبخش ملی ومداخله درامور داخلی کشورهـا استفاده می‌کنند.

■ غوغای تبلیغاتی کمك به«آوارگان»

روزنامه پراودا اعلام‌کردکه سروصدا درواشنگتـن درباره به اصطلاح کمك بشردوستانه برای حل‌وفصل مسائلی که مداخله پنتاگون درهندوچین بوجود آوردند، آنها بود، چیـزی جزیـك «نمایش ریاکارانه» نیست، که تنها مقاصد تبلیغاتی را مـد نظـر دارد.

ماشین تبلیغاتی امریکا درباره اختصاص ۲۰۷ میلیون دلار برای‌کمك به «آوارگان» هندوچین هیاهو براه انداخـته اسـت. پراودا نوشت‌که لازم است این مبلغ بارقم سرسام آور صدوپنجاه میلیارد دلار، که امریکا درجهاد کثیف علیه خلقهای هندوچین‌خرج کرد مقایسه شود. بااین پول، هواپیما وناپالم برای خاك‌وخـون کشیدن مردم هندوچین خریداری شد.

ریاکاری زمامداران پکن

جمهوری سوسیالیستی ویتنام اعلام‌کردکـه معذرت خواهی چین ازرهبران انقلاب ایران بخاطردیدار سال‌گذشته«هواکوفنگ» ازتهران ریاکارانـه است. جمهوری سوسیالیستی ویتنـام‌گفته است، زمانیکه مبارزه خونین خلقهای ایران تاج‌وتخت سلسله پهلوی را میلرزاند، «هوا» به ایران‌رفت‌تا «قصاب» راتقویت کند. پکن‌به‌مدعا شکایت‌کردکه حکومت‌کارتردرحفظ رژیم پهلوی «ناتوان» بوده‌است. ویتنام اعلام‌کرده است‌که حمـایت زمامداران پکن ازشاه مخلوع امری استثنایی نیست؛ باید پرسیدکه آیا زمامداران پکن ازخلق شیلی بخاطرهمکاری بادارودسته نظامی این‌کشورمعذرت‌خواسته‌اند؟

■ زحمتکشان اسرائیل در فشار

گروه پارلمانی جبهه دموکراتیك برای صلح وبرابری در اسرائیل، برهبری حزب کمونیست این‌کشور، درپارلمان بـه‌کابینه بگین رأی عدم اعتماد داده است، زیرادولت تل‌آویوقصد دارد بـه زیان زحمتکشان ازادامه کمك‌مالی بـرای تثبیت بهای بسیاری از مواد ضروری خودداری‌کند. یك‌عضواین جبهه‌گفت‌که‌دولت اسرائیل مبلغهاردها دلار صرف تجاوز به‌کشورهای همسایه و اشغال سرزمین های عربی وساختن آبادی‌های شعبه نظامی میکند وباهمدستی‌رژیم سادات علیه خلقهای عرب توطئه میچیند وبسار این مخارج بردوش زحمتکشان است.

■ سیل سلاحهای امریکائی بسوی‌خاورمیانه

پنتاگون (وزارت جنك امریکا) به‌کنگره اطلاع‌داده است‌که قصد دارد هواپیماهای جنگی، توپهای صدوبیست‌میلی‌متری وسیستم موشکی به اردن بفروشد. چندی‌پیش نیزامریکا تصمیم‌گرفت مبالغ هنگفتی سلاح به‌عربستان سعودی تحویل دهد.

هدف امریکا آن‌است‌که این‌دوکشورعربی رابـه حمایت از معامله جداگانه مصروراسرائیل وادارکند وبه‌این‌ترتیب رژیم‌سادات را ازانزوا خارج سازد. امریکا درعین‌حال به تحویل سلاح به‌قاهره، وتل‌آویوادامه میدهد.

■ عمیق‌ترشدن بحران اقتصادی امریکا

دولت امریکا درپی بررسی ازاوضاع اقتصادی‌کشورگفته است‌که تورم وکسادی درامریکا ممکن است بسیاروخیم‌تر ازپیش‌بینی‌های مقامات رسمی باشد.

بموجب این بررسی، بیکاری تا پایان سال ۱۹۸۰ به حدود هشت‌درصد نیروی‌کارخواهد رسید وتولید ناخالص ملی نیزدر سال جاری ۱/۴ درصدکمترازسال پیش خواهد بود. تورم درسال جاری وسال‌آینده به سیرصعودی خود ادامه خواهد داد. امپریالیسم‌امریکا طبق‌معمول تلاش دارد بحران درونی خود را به عوامل خارجی از جمله‌بهای نفت نسبت دهد .

■ اجساد زندانیان سیاسی در ماناگوآ

به‌گزارش خبرگزاری فرانسه، یك‌شخصیت برجسته‌کارگری کانادا گفته است‌که حدودپانصدوبیست‌جسد متعلق‌به‌زندانیان‌سیاسی، دردرپاچه‌ای در نزدیکی‌کاخ سوموزا، دیکتاتورفراری نیکاراگوئـه، کشف شده است.

این شخصیت‌که ازنیکاراگوئه دیدن‌کرده، ازکارگران کانادا خواسته است‌که ازانقلاب پیروزمند نیکاراگوئه حمایت‌کنند.

ازسوی دیگرگزارش میرسدکـه عده‌ای از نظامیان هوادار سوموزا به‌کاخ انقلاب ماناگوآ حمله‌کرده‌اند. این حمله نشـان میدهدکه ضدانقلاب، تا زمانیکه کاملا سرکوب نشده است، دست از توطئه برنمیدارد.

■ مانور تازه درخاورمیانه

روزنامه «الثوره»، چاپ دمشق، درمقاله افشاگرانه‌ای،ضمن بحث درباره مانورهای اخیر آمریکا درخاورمیانه، نوشت که هدف زمامداران واشنگتن آن است‌که در صفوف فلسطینی‌ها شکاف ایجاد شود. الثوره، در اشاره به اظهارات پاره‌ای ازمقامات آمریکائی در مورد فلسطین، اعلام‌کردکه‌هدف آمریکا ازمطرح‌کردن مسئله‌اصلاح قطعنامه ۲۴۲ آن است‌که فلسطینی‌ها با توافق خائنانه کمپدیوید همراه شوند.

حزب تودهٔ ایران درمبارزه انتخاباتی از تلویزیون چه سیاستی داشت؟

یکشنبه شب ۱۴ مرداد ماه، مدیرعامل صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران، دریك مصاحبه تلویزیونی شرکت کرد و ازجمله درباره انعکاس مبارزه تبلیغاتی گروههای مختلف‌ازتلویزیون‌سخن گفت .

صادق قطب‌زاده از احزاب، سازمانهاوگروههای مارکسیستی، که از تلویزیون ورادیو بـرای تبلیغ استفاده کرده‌اند، نام‌برد. لوستی‌که اوبرشمرد بـا سازمان چریك‌های فدائی خلق ایـران وحزب توده ایران آغاز میشدو ۱۹ نـام دیگر را هم در بـس میگرفت .

بدنبال اعلام ایـن لیست، قطب‌زاده گفت که «اینها» یعنی احزاب ، سازمانها و گروههای مارکسیستی، حرفی بـرای زدن نداشته‌اند وبجای اینکه بمبارزه تبلیغاتی‌بپردازند، اعلام‌کرده‌اند که میخواهند افشاگری کنند و آنقدر فحش داده‌اندکه وقت‌تمام شده وفحش آنها تمام نشده است.

قطب‌زاده باین‌ترتیب، گروه های چپ‌نما ، مـائوئیست‌ها و ترتسکیست‌ها را، که هیچ‌جائی‌در مارکسیسم ندارند وتنها زیر نام «مارکسیسم» به‌خرابکاری‌مشغولند، درکنار نیروهای‌اصول مارکسیستی چون‌حزب توده ایران ونیروهائی که‌صرفنظر از اشتباهات وکج‌ـ رویهایشان ، بهرحال در ادعـای خودصادقند، مانندچریکهای‌فدائی خلق، قرارداد و بافاصله حزب توده ایران را درمیان گروههای چپ‌نما به‌زدوروش آنها را به حزب توده ایران تعمیم داد ، و باین وسیله ازواقعیتی‌که هزاران نفر ازطریق تلویزیون ، رادیـو ومطبوعات‌شاهد آن بودند، فاصله زیادی‌گرفت .

گـروههائـی کـه ایـن روش‌را بکار برده‌اند، دراکثریت قریب بـه اتفـاق فقـط مدعی مارکسیست بودن هستند و نـه مارکسیست واقعی و اصول و بهر حال مسئول روش خودشان‌هستند. امادرباره‌حزب توده‌ایران، واقعیت درست‌مخالف‌حرفهای‌قطب‌زاده‌بوده نامزدهای حزب ما در رادیو و تلویزیون هم مانند سخنرانی‌ـ هایشان درمیتینگ‌های انتخاباتی، بـه پیروی از سیاست اصولی و پیگیر حزب تودهٔ ایران ، اعلام کردندکه چهارچوب پیش نویس قانون اساسی را در مجموع مثبت برآوردمیکنند وآنگاه‌پیشنهادـ های سازنده واصولی حزب ما را برای تکمیل پیش نویس قانون اساسی اعلام‌کردند.

متن این سخنرانی‌هاکه در «مردم» و برخی از روزنامه‌های دیگرچاپ شده است، به روشنی نشان میدهدکه سیاست حزب‌تودهٔ ایران آن چیزی نبودکـه مدیر عامل رادیـو وتلویزیون اعـلام کرد.

بدینسان سئوال مـا اینست که، چرا مقام مسئولی واقعیت را درمورد حزب تودهٔ‌ایران تحریف میکند وباایجاد ابهام‌وسردرگمی درمورد سیاست حزب تودهٔ‌ایران میکوشدکـه به حیثیت و اعتبار حزب ما لطمه بزند؟

بقیه از صفحه ۱

طالقانی...

آمریکا، مصر و اسرائیل هستیم و آنرا دشنه‌ای‌میدانیم که‌ازپشت‌بر خلق فلسطین زده‌شده است. کوبا پشتیبانی بیدریغ‌خود را ازانقلاب ایران تقدیم میکند، این انقلاب شریف‌ترین ارزش‌های انسانی را در بـرداردو درست بهمین دلیل است‌که شما در قلوب مـردم‌کوبا جای دارید.»

دنیا

نشریه سیاسی و تئوریك کمیته مرکزی حزب‌توده ایران بزودی‌منتشرمیشود

رفقا ودوستانی‌که در خارج ازکشوراند، میتوانندکمك مالی خودرا به‌نشانی‌زیرین‌ارسال‌دارند،

Sweden
Stockholm
Sparbanken Stockholm
N: 0400 126 50
Dr. John Takman

بقیه ازصفحه ۱

بایدبرای کارگران...

بویژه در زمینهٔ بـکار انداختن مجدد کارخانه‌ها ومؤسسات تولیدی خودداری کارگران بیکار بکاهد و سرانجام آنرا از بین ببرد.

هم‌اکنون‌عده‌ای ازکارخانه‌ها بعلت‌کمبود مواد اولیه و یا بعلت خودداری مدیران‌کارخـانه‌ها از تهیه مواد اولیه لازم ، با ظرفیت کامل‌کار نمیکنند و بهمین دلیل عـده‌ای از کارگـران را بیرون ریخته‌اند. بـرخی دیگر ازکارـ فرمایان‌سودجو، بعلت‌سوءظن‌واهی وباصطلاح «عدم اطمینان» بایندهٔ، کارخانه را فقط‌کج‌دار ومریز راه انداخته‌اند وعلاقه‌ای به افزایش وبهبود تولید نشان نمی‌دهند. در نتیجه، این قبیل‌کارخانه‌ها هم با ظرفیت‌کامـل‌کار نمیکـنند، عده دیگری ازکارخانه‌ها بدلیل فرار، اختفا ویا عدم علاقه روسای آنها بادامه کار، از مدتها قبل تعطیل شده‌اند و بازگشائی مجدد آنها نامعلوم‌است. علاوه بر همه اینها، بعلت رکود کلی کارهای ساختمانی، جمع کثیـری ازکارگـران رشته ساختمان در همه شاخه‌های آن ، بیکار مانده‌اند.

وظیفه دولـت است که همه کارخانه‌های ملی شده را، زیرنظر مدیریت مـورد اعتماد ، با تمام ظرفیت‌آن بکار اندازد . تا آنجا که مـا اطلاع داریم ، مـدیریت بسیاری از ایـن‌کارخانه‌ها هنوز تعیین نشده و ایـن واحـدهـا بلاتکلیفند. کارخـانه‌هائی را که متعلق به سرمایه‌داران ملی‌است، دولت باید بـا نظارت برفعالیت آنها ، مـورد حمایت قرار دهد. علاوه بر این، باگسترش‌سرمایه‌ـ گذاری‌دولتی‌دررشته‌های‌اشتغال‌زا، شرایط جذب کارگـران بیکار را بکار فراهم نماید.

انقلاب مستضعفین باید در درجه اول بفکر بهبود شرایط‌کار وزندگی زحمتکشان‌شهروده باشد.

از کمکهای‌رفقا ودوستان سپاسگزاریم

عبداله خاکی	۵۰۰۰۰ریال
گروه پیمان ازآبادان	۸۴۶۰ »
گل‌مرادی	۹۵۳۰ »
لیلی‌مشرف‌دهکردی	۱۰۰۰ »
۰.ف.	۳۰۰۰۰ »

«کتابخانه «مردم» در حال تشکیل است منتظر کمك شماهستیم

دفتر «مردم» درکار تشکیل یك‌کتابخانه‌است‌تا بتواندتسهیلات لازم را برای کار هیئت‌تحریریه فراهم آورد.

از اعضـاء، هـواداران و دوستداران حزب خواهشمندیم به تحقق این امرلازم ومفید کـمك کنند.

لطفاً کتابهای اهدائی را،از هرنوع وباهرچاپ، به‌دفتر «مردم» ارسال دارید. اگر تعـداد کتب اهدائی زیاد است، زنك بزنید، دفتر «مردم» ترتیب حمـل آنرا خواهدداد. باسپاس، «مردم»

کمك مالی به‌حزب تودهٔ ایران یك وظیفهٔ انقلابی است

هموطنان ! رفقا و دوستان !

حزب تودهٔ ایران ، حزب طبقهٔ کارگر ایران ، پس ازسی سال مبارزه در شرایط دشوار مخفی ، فعالیت علنی و قانونی خود را آغازکرده است . لازم به‌تاکید نیست‌که اکنون وظایف سنگینی در مبارزه به‌خاطر تحکیم دستاوردهای انقلاب‌ونوسازی جامعه ما، دربرابر حزب قرار دارد. انجام این‌وظایف ازجمله بقدرت مالی حزب وابسته است . لذا کمك مالی به حزب تودهٔ ایران یك وظیفهٔ انقلابی است. فداکاری‌های اعضاء ، هواداران و دوستان حزب دراین زمینه درگذشته غروراانگیز است . اکنون نیز مااطمینان داریم‌کـه اعضاء ، هواداران ، دوستان و همه‌کسانی‌که به پیروزی نهائی و قطعی انقلاب ایران صادقانه علاقمندند ، به حزب طبقه کارگر ایران یاری خواهند رساند .

کمك مالی را می‌توان مستقیما به‌دفتر حزب داد و یابا تلفن‌های ۹۳۵۷۲۸،۹۳۴۶۵۹ـ آمادگی‌خودرا اعلام داشت. از طرف دفتر حزب ترتیب دریافت‌کمك داده خواهد شد . علاوه براین، علاقمندان می‌توانند کمك مالی خودرا بیکی‌ازدوحساب بانکی زیرین بپردازند :

۱ـ حساب بانکی به‌نام تقی‌کی‌منش و به شمارهٔ ۲۳۳۳ شعبهٔ ۴۱۸ بانك ملی ایران ، (شعبه شاه اسماعیل صفوی) ، خیابان شهید دکتر حسین فاطمی (ایران‌نوین سابق) .

۲ـ حساب بانکی شماره ۱۱۸۸ ، شعبه ۳۱۱۰ بـانك‌صادرات

ریگای کوردستان (راه کردستان) بزودی منتشرمیشود

«تقدیم به حزبم»

بهار آمد و کوچه باغ شهادت
پر از زمزمه‌ی شاد آلاله ها شد
سمور از تن سبز پرچین برآمد
قناری سرود وطن را صلا زد
کران تا کران موج آزادگی شد
کسی لك لك صلحجو را نمیراند
پلنگ از غزال جوان زخم میخورد
گوزن کهنسال برشاخ‌هایش
فروغ جهانتاب خورشید می‌دید
تمشك از تب عطرآگین خرداد
به انبوهٔ سرخپوستان درآمد
و در نابه زیبائی بر که افزود...
من این کفشدوز غریب ومسافر
نمی‌دیدم این جویها از چه رودیست؟
سخنگوی کندوی زنبورها کیست؟
مرا باکتاب پر از واژهٔ خون
گل سرخ همسایه‌ام آشنا کرد
ز بوی نسیم چمنزار او بود
که سرتاسر سبزه وار وجودم
پر از جنبش بال پروانه‌ها شد!

«پرند»

جهاد سازندگی و دشواریهای اداری!

دعوت عام امام‌خمینی بجهاد سازندگی با استقبال کم‌نظیری از طرف جوانان و دانشجویان روبرو شده است. مردم با این استقبال نشان داده‌اند و میدهند که برای بثمررساندن انقلاب بزرگ ایران، با همان شور و اشتیاقی که از رزمندگان در میدان نبرد انقلابی انتظار میرود، از زندگی آرام و راحت‌شهری خودمیگذرند و برای کمك به برادران دهقان خود بدهات و مزارع میروند تا در امور مختلف، از برداشت خرمن وجمع کردن محصول گرفته تا کارخانه‌سازی و تامین ابتدائی‌ترین وسائل زندگی برادران و خواهران کشاورز خود برای آنها مفید واقع گردند.

این روزها کسانی که نمونه‌هائی از تلاش و کوشش صادقانه و برادرانه جوانان را در تلویزیون ایران می‌بینند، دو احساس بکلی متناقض در خود مشاهده میکنند، نخست احساس شعف و شادمانی آمیخته با امیدواری به آینده انقلاب، شور و شعف از اینکه آن روحیه سرشار انقلابی، که دیروز در کار ویرانگری دستگاه فاسد و جبار سلطنت بود، هنوز در انبوه جوانان ما جوش میزند و اینك در کار سازندگی بکار میافتد، جوانان ما، همانطور که خونهای پاك خود را وسیله پیروزی بر اهریمن خونخوار قرار دادند و پایه‌های سلطنت او را فرو ریختند و اساس یکی از عمده‌ترین پایگاه‌های استعمار و امپریالیزم را در سراسر خاورمیانه برچیدند، امروز عرق جبین خود را وثیقه پیشرفت و پیشبرد کار در مزارع و دهات قرار میدهند. اینهمه شور و اشتیاق نوید بخش است.

اما با کمال تاسف باید گفت که این تنها یك سوی قضیه است، جهت تابناك و درخشان آن، جهتی که انقلاب بزرگ ما را عمق و استحکام میبخشد، جهتی که توده‌های مردم، دوستداران صادق انقلاب در آن قرار دارند و میکوشند تا هر رهنمود فایده بخشی از طرف امام خمینی را بمرحله عمل و اجرا درآورند.

درحالی که روی دیگر قضیه، روئی که بسوی ادارات، شهرداریها وارگانهای دولتی دارد، آنقدرها تابناك و شادی بخش نیست. ارگانهائی که هنوز هم که شش ماه از انقلاب بزرگ ما میگذرد، با رخوت و سستی تمام و برسبك وسیره دوران پهلوی عمل میکنند و حتی در مواردی چنان بنظر میرسد که عمدا اشکال میتراشند و چوب لای چرخ گروههای جهاد سازندگی میگذارند. اگر شما به مصاحبه‌هائی که با این گروهها بعمل آمده و در تلویزیون ایران پخش میشود گوش داده باشید، بیقین مانند ما دچار تاثر و اندوه عمیق خواهید شد.

ادارات دولتی، شهرداریها و دیگر مقامات رسمی و مسئول اغلب با بیعلاقگی تمام و بیتفاوتی حیرت‌انگیزی که شایسته مقام مامورین دولت موقت جمهوری اسلامی، دولتی که از اعماق انقلاب سر کشیده است، نیست با گروههای جهاد سازندگی برخورد میکنند، وسائل لازم را در اختیار آنها قرار نمیدهند، نسبت به نیازمندیهای آنها سرگرانی نشان میدهند و بدون کوچکترین احساس مسئولیت، آنها را از سر باز میکنند، بنحوی که ساعات طولانی از وقت آنها باید در انتظار وصول عادی‌ترین وسائل، که اتفاقاً بطور وفور در اختیار پشت‌میز نشینان است، بمصرف برسد.

این بیتفاوتی و بی‌علاقگی نسبت به کارگروههای جهاد سازندگی را بچه‌چیز باید تعبیر کرد؟ مقامات رسمی بجای اینکه مشوق جوانان در این امر باشند، بجای اینکه خود در پیشبرد کار آنها یار و مددکار باشند، تقاضاهای آنها را هم بیجواب میگذارند و مایه دلسردی آنها را از کار فراهم میآورند و طبعا در آنها این پرسش را برمیانگیزند که، اگر کار و فعالیت ما در این گرمای کشنده تابستان مطلوب شما نیست، اگر شما با این بی‌اعتنائی بدستور امام خمینی برای جهاد سازندگی برخورد میکنید، آیا واقعا میتوان شما را شایسته مقامی که در آن هستید، دانست؟

آقای وزیر کشور و دیگر مقامات مسئول چه پاسخی باین پرسش دارند؟

پاك‌سازی کمیته‌ها از عناصر ناباب و مشکوك چه شد؟

درحالیکه اغلب کمیته‌ها رفتاری در شان انقلاب دارند، دربرخی از آنها علنا دستور زدن کمونیست‌ها وسایر عناصر مترقی صادر میشود.

پاك‌سازی کمیته‌ها و پاسداران از عناصر ناباب ومشکوك، که با نفوذ در ارگانهای اجرائی انقلاب، وسیما به بدبین کردن مردم و لطمه زدن به انقلاب مشغولند، با اینکه مدتهاست دردستور روز قرار دارد، هنوز انجام نشده است.

نفوذ عناصر ناباب ومشکوك در کمیته‌ها، ازمدتها پیش فاش شد و بهمین جهت امام خمینی دستور پاك سازی آنها را داد. عدم اجرای این دستور وادامه حضور عناصر ناباب و مشکوك در کمیته‌ها ونقش مخرب آنها، در جریان رویدادها، و از جمله انتخابات مجلس خبرگان، روشن وروشنتر شد. اکنون بصراحت میتوان گفت که برخی از کمیته‌ها تقریبا دربست به اشغال عناصر ناباب ومشکوك درآمده‌اند. بلافاصله باید به این واقعیت دردناك این مژده را افزود که، اغلب کمیته‌ها، چنانکه باید روش ارگان‌های برآمده از انقلاب باشد، ازدستبرد ضدانقلاب درامان مانده‌اند ودرست بهمین دلیل هم، با مردم وسازمانهای سیاسی برخورد منطقی دارند ومانع آزادی آنها نمیشوند. اما، همان کمیته‌های اقلیتی که به پایگاه ضدانقلاب بدل شده‌اند وهمان عناصر از نظر کمیت ناچیزی که در دیگر کمیته‌ها نفوذ کرده‌اند، لطمه بزرگی به انقلاب وحیثیت کمیته‌ها زده‌اند، ومیزنند ــ واگر پاکسازی نشوند ــ خواهند زد.

ما برخی از نمونه‌های حضور عناصر ناباب ومشکوك رادر کمیته‌ها، که در کارزار مبارزه انتخاباتی به آنها برخورده‌ایم، افشاء می‌کنیم:

روز هشتم مرداد، وقتی رفقای ما سرگرم چسباندن اعلامیه‌های انتخابی بودند، آنها را دستگیر کردند و به کمیته ایستگاه فرودگاه، خیابان پیروزی بردند. درآنجا رئیس کمیته به ماموران کمیته گفت: این کمونیست‌ها را به اینجا نیاورید، هرکجا دیدید دارند اعلامیه پخش می‌کنند، به مرکز اطلاع دهید، تا سه چهار نفر از افراد را با لباس شخصی به محل بفرستیم که تا می‌توانند بزنند وخرد وخمیرشان کنند!

روز ششم مرداد، ۴ نفر از رفقای ما را که، درخیابان ری مشغول چسباندن اعلامیه‌های انتخاباتی بودند، دستگیر کردند وبه کمیته این خیابان بردند. درآنجا ۴ نفر رفیق‌ها را دوره کردند ویکی از افراد کمیته، بعد از دادن فحش به حزب توده ایران، گفت، من آن زمانی که درحزب پان‌ایرانیست بودم، میتینگ‌ها وتظاهرات حزب تودهٔ ایران را بهم میزدم! چند لحظه بعد، چند نفر درگوش افسر نگهبان پچ پچ کردند وبعد یکی از آنها پیشنهاد کرد که، رفقای ما را آزاد کنند، وقتی رفقای ما آزاد شدند وبه خوابگاه آمدند، یکی از افراد کمیته، که با افسر نگهبان بسیار گرم وصمیمانه حرف میزد، به دنبال آنها آمد وشروع به دادن فحش به حزب توده ایران کرد. در همین موقع دو نفر دیگر از افراد کمیته، با یك پیکان، درحالیکه به رفقای ما فحش میدادند، ازکنار آنها رد شدند. چند قدم بعد، شخصی که رفقای ما را دنبال می‌کرد، به یکی از آنها حمله کرد وبا مشت ولگد به جانش افتاد وناگهان نزدیك به ۲۰ نفر دیگر از افراد کمیته هم به او پیوستند وبا چوب به رفقای ما حمله کردند. هر یك از رفقای ما را ۵ یا ۶ نفر بباد کتك گرفته وبه قصد کشتن میزدند. یکی از رفقای ما خود را به کمیته رساند وکمك خواست، اما ماموران مسلح به فریادهای کمك او توجهی نکردند. سرانجام مردم رفقای ما را ازدست ماموران کمیته نجات دادند!

ساعت ۶ بعدازظهر روز دوشنبه هشتم مرداد هم، یك اتومبیل سفیدرنك، که آنتنی روی آن نصب شده بود، درمیدان فردوسی توقف کرد وسرنشینان آن، که لباس پاسداران انقلاب را به تن داشتند، پیاده شدند وشروع به پاره کردن پوسترهای حزب توده ایران کردند.

این گونه رفتار که فقط نمونه‌ای از آن ذکر شد و متاسفانه نظائرش در تهران و شهرستانها زیاد است یعنی، دستور یك رئیس کمیته برای کتك زدن کمونیستها وحمله دسته جمعی اعضای یك کمیته به رفقای ما، درحالیکه در اغلب کمیته‌ها، برعکس آن، رفتاری درشان انقلاب دیده شده، به روشنی پرده از حضور عناصر ناباب ومشکوك درکمیته‌ها برمیدارد.

در شرایطی که روحانیون ومسلمانان مبارز ازمردم میخواهند که ازاعمال این اشخاص، یعنی پاره کردن روزنامه‌ها واعلامیه‌ها وپوسترها ونهاجم به جمعیت‌ها، جلوگیری کنند، رفتار وحشیانه وضددمکراتیك برخی ازکمیته‌ها، تنها نشانه نفوذ دشمنان فعال انقلاب درآنهاست.

تا کنون واقعیات هم، بارها بارها (که آخرین آن نفوذ معاون ساواك مهاباد در یك کمیته بود) حضور فعال عناصر ناباب ومشکوك را درکمیته تائید کرده است. لذا هر لحظه تاخیر برای پاکسازی آنها، ضربه بزرگی به انقلاب است.

به اصطلاح آزادی مطبوعات درغرب

روزنامه پراودا در مقاله افشاگرانه‌ای مینویسد، «جریان مداوم انحصاری شدن مطبوعات یك خصلت عمومی کشورهای سرمایه‌داری است. در جمهوری فدرال آلمان، «بازارخبر» تحت تسلط گروه ارتجاعی «اشپرینگر» است. در انگلستان پنج گروه بزرگ حدود ۸۵ درصد کل روزنامه‌ها و هفته نامه‌ها را در دست دارند». پراودا مینویسد: «کنترل رسانه‌های گروهی به انحصارات امکان میدهد که نه تنها افکار عمومی را هر طور که میخواهند تحت تاثیر قرار دهند، بلکه به همه سطوح مکانیسم دولتی، حتی به قوه مقننه، فشار وارد آورند. طبقات استثمارگر درغرب در حالیکه ریاکارانه درباره «آزادی بیان» سخن میگویند، کاملا رسانه‌های گروهی رادر اختیار دارند. بنا براین مطبوعات، تلویزیون و رادیو در کشورهای سرمایه‌داری به منزله یك «ارکستر» تنظیم شده هستند که از پشت صحنه رهبری میشود و برای تحمل نظریات وعقایدی که بنفع انحصارات است، مورد استفاده قرار میگیرد.»

بساط مدارس خصوصی باید برچیده شود

زحمتکشانی که با فداکاریهای بیدریغ، انقلاب ایران را به پیروزی رساندند، انتظار داشتند که در زمینه آموزش وپرورش نیز نخستین گامهای دولت موقت در راستاهای حفظ مصالح ومنافع آنان باشد. با کمال تأسف باید گفت که تصمیمات اعلام شده دولت در زمینه آموزش و پرورش بهیچوجه در این سمت حرکت نمیکند.

تصمیم دولت به ابقای مدارس خصوصی و گران کردن شهریه مدارس دولتی، گامهائی است که کاملا برخلاف توقع مردم بوده است. مدارس خصوصی، این دکانهای غارتگری وسودجوئی، طبق اعلام وزارت آموزش وپرورش، کماکان به حیات خود ادامه خواهند داد، منتهی شهریه آنها ازطرف دولت کاهش داده شده و بمبلغ سه هزار تومان تعیین شده است. لازم به تأکید نیست که شهریه مدارس خصوصی به مبلغ فوق محدود نمانده، وموافق اخبار روزنامه‌ها، دریافت شهریه های ۱۵ــ۲۰ هزار تومانی همچنان امری متداول است.

یکسان شدن امکانات آموزشی و عرضهٔ خدمات برابر بمردم، باید از اجزای جدائی ناپذیر سیاست آموزشی انقلاب ما باشد. نخستین گام در این راه برچیدن بساط مدارس خصوصی، تبدیل آنها بمدارس دولتی وعرضهٔ امکانات برابر مادی ــ فنی به این مدارس، ازسوی دولت است.

اما تصمیم دولت به حفظ مدارس خصوصی موجب میشود که برخورداری از خدمات عرضه شده آموزشی، مستقیماً باامکانات مالی خانواده‌ها پیوند یابد ومدیران سرمایه‌دار وسودجوی این دره مدارس، ازیکسو خانواده‌ها راغارت کنند و ازسوی دیگر باعرضهٔ خدمات ویژه در محدودهٔ مدارس خصوصی، تبعیض طبقاتی را در عرصه آموزش وپرورش حاکم سازند.

رژیم پیشین، که بیانگر منافع سرمایه‌داران وزمینداران بزرگ بود، اعمال سیاست طبقاتی درنظام آموزشی را عوامفریبانه **سپردن کار مردم بمردم** نام‌نهاده بود و گشودن راه برای سرمایه‌داران وغارتگران درزمینه آموزش و پرورش را «**ملی‌شدن مدارس**» وانمود میکرد. توقع مردم آن بود که دردوران پس‌از انقلاب، سیاست طبقاتی درنظام آموزشی یکسره دگرگون شود و امکانات نوینی برای فرزندان خانواده های زحمتکش پدید آید واصل آموزش رایگان جاری گردد. اما تصمیمات جدید وزارت آموزش وپرورش آب پاکی را برروی دست خانواده‌ها ریخته است، زیرا رخنه سرمایه درنظام آموزشی همچنان ادامه‌دارد، وحیرت‌انگیزتر آنکه، وزارت آموزش وپرورش در حالیکه شهریه مدارس خصوصی را لااقل برروی کاغذ کاهش داده، شهریه مدارس دولتی را رسماً افزوده است! مردم انتظار داشتند که شهریه مدارس دولتی کلا حذف شود واکنون می‌بینند نه تنها پرداخت شهریه الزامی است بلکه ۲۰ تا ۲۵ درصد هم افزایش داده شده است. وزیر آموزش وپرورش در پاسخ باعتراض خانواده‌ها میگوید، «من فکر نمیکنم که ۲۰ تا ۵۰ تومان درزندگی کسی موثر باشد!»

درپاسخ به آقای وزیر باید بگوئیم، تا آن کسی که باشد! برای خانواده‌های مرفه، برای آنها که غم فردا را ندارند، روشن است که ۲۰ تا ۵۰ تومان اصلا پول نیست. اما در زندگی کارگری که، باید در این گرانی وحشتناك زندگی خود وخانواده پنج‌شش نفری خود را اداره کنند، دو تومان هم پول است، زیرا با آن میتواند قرص نان برسر سفره خالیش بگذارد. واین استدلال هم که پول شهریه درهمان مدرسه خرج میشود،

بقیه در صفحه ۲

برقرار باد اتحاد همهٔ نیروهای ضدامپریالیستی و دموکراتیك ایران درجبههٔ متحد خلق